





## وزیر بهداشت: آماده واگذاری همه

### مراکز درمانی تهران به شهرداری هستیم

سرویس سیاسی – اجتماعی: وضع نامناسب مراکز درمانی به ویژه بیمارستان‌ها از موضوعاتی است که از سال‌ها قبل به عنوان دغدغه دولتهای مختلف از آن یاد می‌شود. ساختن مراکز فرسوده بیمارستان‌ها و نبود امکانات لازم از جمله مشکلاتی است که شهروندان هنگام مراجعه به مراکز درمانی با آن مواجه می‌شوند و از آن رخ می‌برد که به طور حتم می‌توان از کمبود اعتبارات لازم در این بخش به عنوان مهمترین عامل این تقصیر یاد کرد.

به گزارش خبرنگار ما در پی طرح این موضوعات در شورای شهر تهران از سوی اعضا و ابراز نگرانی آنها، دیروز سید حسن قاضی‌زاده هاشمی وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی با حضور در صحن علنی شورا ایده جدیدی را برای رفع بحران‌ها یاد شد مطرح کرد.

وی با اشاره به اقدامات گسترده شهرداری و شورا در حوزه سلامت گفت: آمادگی داریم بیمارستان‌ها، مراکز درمانی و همچنین اورژانس هوایی و داخلی را با همه اعتبارات به شهرداری واگذار کنیم چرا که کار ما سیاست‌گذاری و نظارت است.

البته طرح این موضوع، با مخالفت برخی از اعضا هم همراه بود. دکتر محمود الله فاطمی رئیس کمیسیون سلامت شورا ضمن مخالفت با این موضوع، تاکید کرد: از زیر بهداشت درخواست می‌کنم پیشنهاد واگذاری مدیریت بیمارستان‌های تهران به شهرداری تهران پس یک‌پیکر چرا که شاید این بیمارستان‌ها هم، تغییر کاربری بدهند و ساختارهای دیگری به جای بیمارستان مطرح شوند.

با بنا به این گزارش وزیر بهداشت در بخش دیگری از سخنانش به بیان برخی از آمارهای حوزه سلامت پرداخت و گفت: از نظر امید به زندگی در بین مردم بین ۲۲ کشور منطقه، ۱۲، است و از نظر مرگ و میر در رتبه ۱۳ در بین کشورهای منطقه هستیم ضمن این که آمار مرگ و میر شیرخواران زیر یک سال ۱۱ و کودکان بالای ۵ سال، ۱۲ است.

وی افزود: وضع ما از نظر پزشک قابل قبول نیست و کمبودهای زیادی را در این بخش احساس می‌کنیم به طوری که کشورهای پاکستان، افغانستان و عراق از نظر پزشک هم قبل از کشور ما هستند.از سوی دیگر در زمینه پرتشار هم با مشکلات عمده‌ای روبرو هستیم که آمار خوبی را در این زمینه نداریم.

هاشمی در ادامه با اشاره به آغاز دولت یازدهم و مشکلات و بحران‌های زمان گذشت، در آن زمان ما در بحران انتخاب‌های در زمینه تعطیلی بیمارستان‌ها و کمبود دارو مواجه بودیم به طوری که بیمارستان‌ها هزینه تأمین پول آب برق و گاز را نمی‌دانستند چه برسد به تأمین ابزارهای جراحی و دارویی.

وی تاکید کرد: دکتر روحانی در دوران انتخابات ریاست جمهوری وعده‌هایی را در حوزه سلامت و بیمه شدن همه ایرانیان مطرح کرد و با آغاز دولت یازدهم هم شاهد بودیم که حوزه سلامت سرلوحه دولت یازدهم قرار گرفت. هاشمی افزود: براساس آمار از ۵۷۶ بیمارستان بیش از ۵۰ درصد از آنها دارای تخت فرسوده هستند که البته این آمار در تهران تکران نکند. است چرا که اکثر بیمارستان‌ها در تهران عمرشان بالای ۵۰ تا ۸۰ سال است و در حقیقت فرسوده اند که شورا و شهرداری تهران می‌توانند در ساخت و ایجاد بیمارستان‌ها گام‌های موثری را بردارند و می‌توانند در این زمینه موثر باشند.

وزیر بهداشت همچنین در حاشیه حضورش در شورا در جمع خبرنگاران در پاسخ به این پرسش که آیا وضع آب در تهران مطلوب است، گفت: وضع آب تهران نسبت به سال گذشته بهتر است و استانداردها از جمله نیترات آب رعایت می‌شود.

هاشمی با اشاره به این‌سازای زیادهای بیمارستانی گفت: در این زمینه وزارت بهداشت دستگاه‌هایی را با تاکید سازمان محیط زیست خریداری کرده است.

محمد باقر قالیباف شهردار تهران هم که در جلسه دیروز شورا حضور یافته بود، در سخنانی با اشاره به ضرورت بالای برخی بیمارستان‌ها و ضرورت بازسازی و نوسازی آنها گفت: اکنون در ۳۷۲ محله تهران سراسی محله‌ای وجود دارد که در این مکان‌ها خانه‌های سلامت ما پیش‌بینی شده است و تاکید بر این داریم که مجموعه مدیریت شهری به بحث سلامت توجه بیشتری داشته باشد.

وی همچنین با اعلام آمادگی شهرداری برای کمک در زمینه نوسازی و جا به جایی بیمارستان‌های فرسوده شهر تهران، تاکید کرد، ما وظیفه نداریم که بیمارستان‌ها را تجمیع بگیریم، بلکه شهرداری تهران موظف دارد که در زمینه نوسازی بیمارستان‌ها با به وزارت بهداشت کمک کند چرا که بعضی بیمارستان‌ها بسیار قدیمی هستند و از استانداردهای لازم برخوردار نیستند.

**بازرسی‌های سرطان را**
همچنین در جلسه دیروز، محمد سالاری عضو شورای شهر تهران گفت: شائبه‌هایی در مورد نیترات و آلودگی آب تهران و همچنین سطرانژ بودن پارک‌ها وجود دارد که مستانه در این باره اطلاع‌رسانی جامع و درستی انجام نشده است. از سوی دیگر حدود ۴۰ درصد بیمارستان‌ها تصفیه خانه ندارند. لذا باید برای این موضوعات فکر و اقدامی شود.

در ادامه جلسه معالجات رهبر رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورا با طرح پیشنهاد شهرداری کارگروه مشترک مدیریت شهری و وزارت بهداشت، گفت:افتاه کنونی وزیرای زباید که شورای شهر آمده اند ما هنوز در عمل اتفاقی نگذاشته است؛ لذا از وزیر بهداشت درخواست می‌کنیم ساماندهی اماکن بهداشتی درمانی را در اولویت برنامه‌ها قرار دهد.

## سیدمحمد خاتمی، وزمه تجزیه کشورهای منطقه را خطرناک دانست و تاکید کرد که سازمان ملل باید مقابل تجاوز علیه کشورها و تجزیه آنها بایستد.

به گزارش جمهوری اسلامی ایران، حجت الاسلام و المسلمین سیدمحمد خاتمی، رئیس پیشین جهموری اسلامی ایران در دیدار سالانه فرهنگیان و جمعی از معلمان که هرسال به مناسبت روز معلم برگزار می‌شود، در سخنانی به موضوع «سیاست داخلی و اقدامات دولتی»، «نسبت تعلیم و تربیت با اصلاح روح و جامعه» و «مسایل و مشکلات امروز خاورمیانه» و معضل عدم رشد ملت ها، پرداخت و یاد معلمان شهید رجایی، باهنر و مطهری و معلمانی که در این محدودیت، تحمل و جامعه از حضور آنها محروم شده است را گرامی‌داشت.

خاتمی در این دیدار، رویکرد دولت و تلاش های انجام شده را پرورکردی قابل قبول دانست و گفت: نمی توان برای حل مشکلاتی که هست فقط از دولت انتظار داشت؛ به ویژه اینکه بخشی از مشکلات کنونی بازمانده از سالیان قبل است و ترمیم آنها، خود کار بزرگی است که در اولویت قرار گرفته است. وی با بیان اینکه هر یک از مشکلات ناشی از تصمیم دولت و در اختیار دولت نیستند یادآور شد که برای حل پاره ای از مشکلات کنونی، کل نظام باید به نتیجه برسد ولی آنچه به دولت مربوط می شود بخصوص آنچه بودجه و امر اساسی در «تحقق ششدهارهای انتخباتی» و «دوم اجرائی قانون اساسی» و اگر ایندو محقق شود زمینه ساز حل بسیاری از مشکلات خواهد بود.

وی افزود: باید شعارهایی که در سال ۹۲ مطرح شد و مردم به آن رای دادند، عملی شده؛ البته شعارها را نمی توان یک شبه اجرائی کرد و باید یاری به سبوی اجرائی کردن آنها و وجود داشته باشد که معتمد رئیس‌جمهور روی به آن سوی دارند.

### در عرصه سیاسی و فرهنگی باید گام های بزرگ تری برداشت شود

خاتمی با تاکید بر اینکه باید جدا برای اجرائی شدن شعارها برنامه ریزی صورت گیرد اظهار کرد که در عرصه سیاست خارجی و اقتصادی تلاش های ارزشمند شده ولی در عرصه سیاسی و فرهنگی باید گام‌های بزرگ تری برداشت شود.

**اجرائی قانون اساسی، وظیفه مهم و خطیر رئیس‌جمهور است**
رئیس دولت اصلاحات در ادامه، وظیفه مهم و خطیر رئیس‌جمهور را اجرائی قانون اساسی دانست و با یادآوری این که اجرائی این وظیفه مهم رئیس‌جمهور موانعی وجود دارد، گفت: نقش، زیر پا گذاشتن و دادن کجی به قانون اساسی در کشور ما رایج شده است؛ باید مساله اجرائی قانون اساسی با جدیت تحقق یابد کند و به ویژه در زمینه تأمین امنیت جامعه و تفکیک کردن نظام از امنیت مردم باید اهتمام داشت.

**باید با نقض کنندگان قانون اساسی برخورد شود**
وی با اشاره از اینکه اجرائی برخی به شکل خودسرانه و بی‌برخی دستگاه‌ها باعث افزایش نفوذ و تقطعا با وجود شدن آن شعارها و اعتراض قرار نمی‌گیرند، بر لزوم برخورد با نقض کنندگان قانون اساسی تاکید کرد.

خاتمی با تاکید بر اینکه «اجرائی قانون اساسی از وظایف مهم رئیس‌جمهوری است»، تلاش رئیس‌جمهور در پاسکاری بر اجرائی شعارها را قابل تقدیر دانست و گفت: اگرچه برای انجام این وظیفه مهم اجرائی قانون اساسی رئیس‌جمهور ضمانت اجرائی کامل وجود ندارد ولی با امتیازات فعلی هم می‌توان کارهای انجام داد و تقطعا با وجود شدن آن شعارها و اجرائی اجرائی قانون اساسی، بسیاری از مشکلات حل می‌شود.

رئیس دولت اصلاحات با طرح این پرسش که پرونده اسبپاشی چه شد، با متمان آن چگونه برخورد شده؟ و واقع شیراز و محله به جناب علی مطهری اشاره کرد و گفت: برخوردهای مرامانه ای که با برخی شخصیت ها می‌شود ملت وفاق شیراز و نظایر آن و عادی شدن اجرام مجرمانه در جامعه باعث تأسیع است و در برخورد با آنها سستی می‌شود.

## وزیر بهداشت: آماده واگذاری همه مراکز درمانی تهران به شهرداری هستیم

سرویس سیاسی – اجتماعی: وضع نامناسب مراکز درمانی به ویژه بیمارستان‌ها از موضوعاتی است که از سال‌ها قبل به عنوان دغدغه دولتهای مختلف از آن یاد می‌شود. ساختن مراکز فرسوده بیمارستان‌ها و نبود امکانات لازم از جمله مشکلاتی است که شهروندان هنگام مراجعه به مراکز درمانی با آن مواجه می‌شوند و از آن رخ می‌برد که به طور حتم می‌توان از کمبود اعتبارات لازم در این بخش به عنوان مهمترین عامل این تقصیر یاد کرد.

به گزارش خبرنگار ما در پی طرح این موضوعات در شورای شهر تهران از سوی اعضا و ابراز نگرانی آنها، دیروز سید حسن قاضی‌زاده هاشمی وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی با حضور در صحن علنی شورا ایده جدیدی را برای رفع بحران‌ها یاد شد مطرح کرد.

وی با اشاره به اقدامات گسترده شهرداری و شورا در حوزه سلامت گفت: آمادگی داریم بیمارستان‌ها، مراکز درمانی و همچنین اورژانس هوایی و داخلی را با همه اعتبارات به شهرداری واگذار کنیم چرا که کار ما سیاست‌گذاری و نظارت است.

البته طرح این موضوع، با مخالفت برخی از اعضا هم همراه بود. دکتر محمود الله فاطمی رئیس کمیسیون سلامت شورا ضمن مخالفت با این موضوع، تاکید کرد: از زیر بهداشت درخواست می‌کنم پیشنهاد واگذاری مدیریت بیمارستان‌های تهران به شهرداری تهران پس یک‌پیکر چرا که شاید این بیمارستان‌ها هم، تغییر کاربری بدهند و ساختارهای دیگری به جای بیمارستان مطرح شوند.

با بنا به این گزارش وزیر بهداشت در بخش دیگری از سخنانش به بیان برخی از آمارهای حوزه سلامت پرداخت و گفت: از نظر امید به زندگی در بین مردم بین ۲۲ کشور منطقه، ۱۲، است و از نظر مرگ و میر در رتبه ۱۳ در بین کشورهای منطقه هستیم ضمن این که آمار مرگ و میر شیرخواران زیر یک سال ۱۱ و کودکان بالای ۵ سال، ۱۲ است.

وی افزود: وضع ما از نظر پزشک قابل قبول نیست و کمبودهای زیادی را در این بخش احساس می‌کنیم به طوری که کشورهای پاکستان، افغانستان و عراق از نظر پزشک هم قبل از کشور ما هستند.از سوی دیگر در زمینه پرتشار هم با مشکلات عمده‌ای روبرو هستیم که آمار خوبی را در این زمینه نداریم.

هاشمی در ادامه با اشاره به آغاز دولت یازدهم و مشکلات و بحران‌های زمان گذشت، در آن زمان ما در بحران انتخاب‌های در زمینه تعطیلی بیمارستان‌ها و کمبود دارو مواجه بودیم به طوری که بیمارستان‌ها هزینه تأمین پول آب برق و گاز را نمی‌دانستند چه برسد به تأمین ابزارهای جراحی و دارویی.

وی تاکید کرد: دکتر روحانی در دوران انتخابات ریاست جمهوری وعده‌هایی را در حوزه سلامت و بیمه شدن همه ایرانیان مطرح کرد و با آغاز دولت یازدهم هم شاهد بودیم که حوزه سلامت سرلوحه دولت یازدهم قرار گرفت. هاشمی افزود: براساس آمار از ۵۷۶ بیمارستان بیش از ۵۰ درصد از آنها دارای تخت فرسوده هستند که البته این آمار در تهران تکران نکند. است چرا که اکثر بیمارستان‌ها در تهران عمرشان بالای ۵۰ تا ۸۰ سال است و در حقیقت فرسوده اند که شورا و شهرداری تهران می‌توانند در ساخت و ایجاد بیمارستان‌ها گام‌های موثری را بردارند و می‌توانند در این زمینه موثر باشند.

وزیر بهداشت همچنین در حاشیه حضورش در شورا در جمع خبرنگاران در پاسخ به این پرسش که آیا وضع آب در تهران مطلوب است، گفت: وضع آب تهران نسبت به سال گذشته بهتر است و استانداردها از جمله نیترات آب رعایت می‌شود.

## سیدمحمد خاتمی، وزمه تجزیه کشورهای منطقه را خطرناک دانست و تاکید کرد که سازمان ملل باید مقابل تجاوز علیه کشورها و تجزیه آنها بایستد.

به گزارش جمهوری اسلامی ایران، حجت الاسلام و المسلمین سیدمحمد خاتمی، رئیس پیشین جهموری اسلامی ایران در دیدار سالانه فرهنگیان و جمعی از معلمان که هرسال به مناسبت روز معلم برگزار می‌شود، در سخنانی به موضوع «سیاست داخلی و اقدامات دولتی»، «نسبت تعلیم و تربیت با اصلاح روح و جامعه» و «مسایل و مشکلات امروز خاورمیانه» و معضل عدم رشد ملت ها، پرداخت و یاد معلمان شهید رجایی، باهنر و مطهری و معلمانی که در این محدودیت، تحمل و جامعه از حضور آنها محروم شده است را گرامی‌داشت.

خاتمی در این دیدار، رویکرد دولت و تلاش های انجام شده را پرورکردی قابل قبول دانست و گفت: نمی توان برای حل مشکلاتی که هست فقط از دولت انتظار داشت؛ به ویژه اینکه بخشی از مشکلات کنونی بازمانده از سالیان قبل است و ترمیم آنها، خود کار بزرگی است که در اولویت قرار گرفته است. وی با بیان اینکه هر یک از مشکلات ناشی از تصمیم دولت و در اختیار دولت نیستند یادآور شد که برای حل پاره ای از مشکلات کنونی، کل نظام باید به نتیجه برسد ولی آنچه به دولت مربوط می شود بخصوص آنچه بودجه و امر اساسی در «تحقق ششدهارهای انتخباتی» و «دوم اجرائی قانون اساسی» و اگر ایندو محقق شود زمینه ساز حل بسیاری از مشکلات خواهد بود.

وی افزود: باید شعارهایی که در سال ۹۲ مطرح شد و مردم به آن رای دادند، عملی شده؛ البته شعارها را نمی توان یک شبه اجرائی کرد و باید یاری به سبوی اجرائی کردن آنها و وجود داشته باشد که معتمد رئیس‌جمهور روی به آن سوی دارند.

### در عرصه سیاسی و فرهنگی باید گام های بزرگ تری برداشت شود

خاتمی با تاکید بر اینکه باید جدا برای اجرائی شدن شعارها برنامه ریزی صورت گیرد اظهار کرد که در عرصه سیاست خارجی و اقتصادی تلاش های ارزشمند شده ولی در عرصه سیاسی و فرهنگی باید گام‌های بزرگ تری برداشت شود.

**اجرائی قانون اساسی، وظیفه مهم و خطیر رئیس‌جمهور است**
رئیس دولت اصلاحات در ادامه، وظیفه مهم و خطیر رئیس‌جمهور را اجرائی قانون اساسی دانست و با یادآوری این که اجرائی این وظیفه مهم رئیس‌جمهور موانعی وجود دارد، گفت: نقش، زیر پا گذاشتن و دادن کجی به قانون اساسی در کشور ما رایج شده است؛ باید مساله اجرائی قانون اساسی با جدیت تحقق یابد کند و به ویژه در زمینه تأمین امنیت جامعه و تفکیک کردن نظام از امنیت مردم باید اهتمام داشت.

**باید با نقض کنندگان قانون اساسی برخورد شود**
وی با اشاره از اینکه اجرائی برخی به شکل خودسرانه و بی‌برخی دستگاه‌ها باعث افزایش نفوذ و تقطعا با وجود شدن آن شعارها و اجرائی اجرائی قانون اساسی، بسیاری از مشکلات حل می‌شود.

خاتمی با تاکید بر اینکه «اجرائی قانون اساسی از وظایف مهم رئیس‌جمهوری است»، تلاش رئیس‌جمهور در پاسکاری بر اجرائی شعارها را قابل تقدیر دانست و گفت: اگرچه برای انجام این وظیفه مهم اجرائی قانون اساسی رئیس‌جمهور ضمانت اجرائی کامل وجود ندارد ولی با امتیازات فعلی هم می‌توان کارهای انجام داد و تقطعا با وجود شدن آن شعارها و اجرائی اجرائی قانون اساسی، بسیاری از مشکلات حل می‌شود.

### رئیس جمهوری برگسترش

مناسبات مهمه جانبی با کشور دوست و همسایه ارمنستان، تاکید کرد و گفت : برای توسعه روابط تهران با ایروان هیچ مانع و مشکلی وجود ندارد و تردیدی نیست که گسترش همکاری ها در عرصه های اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی به نفع دو کشور است .

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی دیروز پس از دریافت استواریانه سفیر جابید ارمنستان ، پیگیری اجرائی طرح های مشترکی را که دو کشور بر سر آن توافق کرده اند ، ضروری خواند و تصریح کرد: ایران و ارمنستان علاوه بر همکاری های دوجانبه ، در مجامع بین‌المللی هم همکاری قابل قبولی

## عیادت شخصیت ها از دکتر صالحی در بیمارستان

جمعی از شخصیت های سیاسی روز سه شنبه با حضور در بیمارستان بهمن از علی اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی عیادت کرده و در جریان روند درمان وی قرار گرفتند .

به گزارش ایرنا، عبدالرضا رحمانی فضلی وزیر کشور، محمدجواد ظریف-وزیر امور خارجه، معصومه ابتکار رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، محمدرضا عارف وزیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، محمدرضا صادق مشاور وزیر جمهوری در امور رسانه، سیدحسین هاشمی استاندار تهران، حجت الاسلام صدیقعلیق میرلوحی داماد روحانی آیت الله مهدوی کنی ،علام‌الدین بروجرودی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، محمود واعظی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، دکتر علیرضا مرندی نماینده مجلس شورای اسلامی ، سیدمحمدعلی شهیدی رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران و حسین فریدون، دستیار ویژه رئیس جمهوری به ملاقات رئیس سازمان انرژی اتمی رفتند.

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز بمدام سه شنبه با حضور در بیمارستان بهمن در گفتگو با خبرنگاران، وضع عمومی دکتر صالحی را خوب توصیف و تصریح کرد که وی مشکلی ندارد.

**عیادت دکتر اردکانی از صالحی**

دکتر رضا دوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران هم با حضور در بیمارستان از دکتر صالحی عضو فرهنگستان علوم و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران عیادت کرد و ضمن صحبت با ایشان، در جریان روند معالجات معاون رئیس جمهوری قرار گرفت.

دکتر داوری اردکانی پس از عیادت، اظهار داشت: آقای دکتر صالحی در سلامت کامل و حال و روحیه ایشان مثل همیشه بسیار خوب است.

**جزئیات عمل جراحی ناگهانی دکتر صالحی**

معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران عصر روز دوشنبه ۲۱ اردیبهشت به دنبال یک روز پرکار دچار عارضه جسمانی شد و تحت عمل جراحی اورژانسی و پس از معاینه و تشخیص پزشکان بهروز کمالوندی، سنگجوشی سازمان انرژی اتمی، در همین ارتباط به ایستگاه رفت. دکتر صالحی در اثر مشکلی در روده خود به پزشک مراجعه کرد که تحت کولونوسکوپی قرار گرفت و در حین انجام این عمل دچار پارگی در روده خود شد و به تشخیص پزشک سریعاً تحت عمل جراحی باز گرفت و در ایستگاه رسید.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هم دیروز در تماس تلفنی با دکتر صالحی جویای احوال وی شد.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در این تماس تلفنی ضمن پرس‌وجو از بیماری و علت آن برای شفای عاجل این عضو مؤثر تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران اسلامی، دعا کرد.

## نسبت تعلیم و تربیت و اصلاح گری به گزارش خاتمی، سیدمحمد خاتمی، دامه سخنانش در جمع معلمان و فرهنگیان را به تشریح نسبت تعلیم و تربیت و اصلاح گری اختصاص داد و بیان کرد: معلم و مربی بزرگترین اصلاح گراند و کار پیامبرانه ای می کنند.

وی افزود: باید جامعه را به واقعیت های عالم و ارزش های موجود آگاه کند و مربی باید روح انسان را پالایش دهد و انسان آگاه و دارای روح پالایش‌پذیر و اراده قوی جز به راه صلاح نمی رود. خاتمی در یک تقسیم بندی، علم به معنی عام کلمه را دو قسم دانست: یکی «آگاهی» و دانستن آنچه هست و خارج از حیطه ذهن آدمی است و دیگری شناخت تکیه و بدی، زیبایی و پلشتی و نیکویی غیر از آنچه‌زی است که در طبیعت وجود دارد؛ گرچه افلاطون خیر، زیبایی و حقیقت را یکی می بیند اما قری می‌ کند آنچه خودش به خواست و اراده آدمی مشروط نموده و آنچه که خواست و اراده آدمی در تحقق آن مؤثر است و علم، دارای دو شاخه واقعیت‌شناسی و ارزش‌شناسی است.

**اخلاق مبتنی بر آگاهی و آزادی است**
وی ادامه داد: زیبایی‌ها و خیرها و زوفاهایی که بر اساس آن شکل می‌گیرد، اخلاق را تشکیل می‌دهد. شناخت‌خیر و زیبایی و عمل به این اخلاق است و اخلاق در جایی است که آگاهی هم شناخت‌خیر و هم شناخت خیر و آزادی یعنی عمل مختارانه و آزاد بر پایه گزینش خیر باشد.

خاتمی توضیح داد: اگر آگاهی نباشد- و کسی خیر را نشناسد، کار اخلاقی نیست و اگر آگاهی باشد اما آزادی کامل نباشد و انسان هابه بنده هوس خویش یا اسیر هورای قدرت های جبار خودخواه باشد، هر چه علم هم داشته باشد- چون انگیزه آنها هوس یا ترس است این عمل اخلاقی نیست.

وی با تاکید بر اینکه «اخلاق بدون آزادی و آگاهی» تحقق نمی‌یابد اظهار کرد: انسان مطلوب انسانی است آگاه، آزاد و اخلاقی. مگر دین جز برای تربیت انسان آزاد، آگاه و اخلاقی آمده است؟ رسالت دین، انسان‌ترتیب است.

خاتمی افزود: اگر دینی مبلغ جهالت و نافی آگاهی باشد، مطمئن باشید که دین خالص نیست. اگر به نام دین با آزادی انسان مخالفت شود، دین، دین خرافی است. اگر دینی رفتار خرافاتی را مجاز می‌داند، این دین مطلوب خداوند نیست.

**دین حقیقی انسان را آگاه، آزاد و اخلاقی می‌خواهد**

وی گفت: دین حقیقی دینی است که انسان را آگاه، آزاد و اخلاقی می‌خواهد و پیامبران برای همین آمده‌اند تا آکا معلمی و مربی گری جز این است؟ معلمان بزرگترین اصلاح ران جوامع هستند یا باید باشند. خاتمی به دو نوع اخلاق دین و اجتماعی اشاره و بیان کرد: دروغ نگو، راست باش، پلشتی نکن، انصاف داشته باش؛ اینها در حوزه اخلاق فردی است اما وقتی انسان در جمع می‌آید، موضوعی به نام «فضیلت شهروندی» مطرح می‌شود.

**اخلاق مقدمه سیاست است**

وی گفت: در اندیشه سیاسی قدیم، اخلاق مقدمه سیاست بود و حتی در کتابی چون جمهوری افلاطون و آثار فارابی متافیزیک بنحوی مطرح می‌شود و عالم بنحوی تصویر و توجیه می‌شود که توجیه‌کننده نظام سیاسی مطلوب (از نظر این فیلسوفان) باشد.

خاتمی افزود: حاکمیت جباران و استغمرکان در تاریخ از جمله در دنیای اسلام و حکومت عیسی که گاه حاکمانی با رنگ‌شدن خطرناکی در نوع دیکتاتوری عرفی عمل می‌کردند، اندیشه در باب سیاست و اخلاق اجتماعیه بمحاق رفت.

وی با اشاره بر اینکه «انسان علاوه بر فضایل فردی باید دارای فضیلت شهروندی شده خطاب به معلمان بیان کرد: کار شما فقط ترویج فضیلت فردی نیست بلکه تربیت انسان صاحب حق و تکلیف (هر دو) و انسان اخلاقی و سیاسی کار معلم است و باید فضایل شهروندی خوب را در شاگردان بارور کرد.

خاتمی با یادآوری اینکه عقل عالم انسان می‌تواند معیارهای اخلاقی را تشخیص دهد و رشد و کمال تاریخی بشر اشاره کرد و گفت: اینکه بشر در طول تاریخ و خودکام همه از هزینه های فراوان به این نتیجه رسیده است که حکومت های خردکام و جبار مردم‌فرست و حکومت های برآمده از رضایت و دین مردم مطلوب، این یک تفاوت اساسی است که معتمد معتمد پروردگار بر آن قرار گرفته است و اختصاص به غرب و شرق ندارد.

## اخبار داخلی

## دیدار سفرای جدید ارمنستان و بلغارستان در تهران با رئیس‌جمهوری

انتقال انرژی باشد.

روحانی آمادگی کشورمان را برای ارائه ایران به عنوان مردمانی دوست و همسایه ارمنستان، اقتصادی ، خوب، فعال و پایبند قانون یاد کرد و خواستار افزایش تبادل علمی و دانشگاهی و استفاده از ظرفیت های گردشگری دوکشور برای رفت و آمد و آشنایی بیشتر دو ملت شد. «ژان-میشل تومانیان» سفیر بلغارستان در تهران هم در دیدار با رئیس‌جمهوری گفت: «ایران با ظرفیت های فراوان و اراده لازم در دو طرف برای گسترش همکاری ها وجود دارد. رئیس‌جمهوری همچنین پس از دریافت استواریانه سفیر جدید بلغارستان در تهران، حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی اظهار داشت: سرتیراهی فراوان و اراده لازم در دو طرف برای گسترش همکاری ها وجود دارد. رئیس‌جمهوری همچنین پس از دریافت استواریانه سفیر جدید بلغارستان در تهران، گفت: «ایران و ارمنستان علاوه بر همکاری های دوجانبه، در مجامع بین‌المللی هم همکاری قابل قبولی

بین‌المللی هم همکاری قابل قبولی تمامی حوزه ها از جمله در زمینه داد.

### حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد مهدی موحی کرمانی به رحمت ایزدی پیوست

حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد مهدی موحی کرمانی رئیس اسبق دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا درگذشت.

به گزارش ایسنا، حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی موحی کرمانی که در زمان بنیانگذار جمهوری اسلامی نماینده ایشان در شهرهای و رئیس دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا بود صبح دیروز پس از تحمل دردهای قلبی در بیمارستانی در مشهد درگذشت.

وی که برادر آیت‌الله محمدعلی موحی کرمانی امام جمعه موقت تهران و دبیرکل جامعه روحانیت مبارز است، ۲۰ سال پیش به سو اسب ازسعت‌های اجرایی فاصله گرفت و در مشهد ساکن شده بود.

به همین مناسبت، مسئولان و شخصیت های کشورمان با انتشار پیام های جداگانه، باین واقعه را به آیت الله محمد علی موحی کرمانی تسلیت گفتند.

دریام رئیس جمهوری آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله و انا الیه راجعون

حضرت آیت الله محمد علی موحی کرمانی درگذشت برادر بزرگواران حجت الاسلام و المسلمین شیخ مهدی موحی کرمانی را به جنابایی، خانواده محترم و علاقه مندان آن مرحوم تسلیت می گویم و برای این عالم متقی و مرجع معارف اسلامی که فرزند شهیدش را نیز در راه عزت اسلام هدیه کرد، رحمت و رضوان و برای بازماندگان صبر و اجزاء درگاه خداوند متعال تسلیت می‌گویم.

رئیس جمهوری اسلامی ایران

### معاون رئیس جمهوری: در مبارزه با رانت های مخفیانه خلاء قانونی داریم

بقیه از صفحه اول

توسعه یافته مردم سالار گفت: توسعه اقتصادی تنها با جلوگیری از فساد به دست می آید چراکه فساد اقتصادی و غیر اقتصادی از اساس بین بردن ارزش های اخلاقی به ابتذال اقتصادی و اخلاقی منجر خواهد شد.

معاون حقوقی رئیس جمهوری به پیام هشت ماده ای مقام معظم رهبری در سال ۸۰ می مبارزه با فساد اشاره کرد و گفت : در طول ۱۴ سال گذشته متأسفانه نتوانستیم مواد این پیام را عملی کنیم.

امین زاده در ادامه توضیح کرد توجیه به بازتاب این بین‌المللی موضوع فساد نیازمند توجه ویژه در این زمینه هستیم و باید تابلوی ایران را در عرصه بین‌الملل در این رابطه اصلاح کنیم

وی با اشاره به اقدامات ریاست دیوان محاسبات برای مبارزه با مفاسد، گفت: پیشنهاد

### رئیس بنیاد باران : وزمه تجزیه کشورهای منطقه خطرناک است

وی افزود: ما مایه های چنین امری را در سینه و روش پیامبر و امام علی می بینیم. مگر نه اینکه آن حضرت علاوه بر اینکه یکی از علل مهم پادشش حکومت را حضور مردم می داند می فرماید امتی که بدون لگت زبسان حقن خود با پای نکتد و حق خود را از ظالم بگیرد امتی مقدس نیست یعنی آزادی تا آن حد که نه تنها بیان حق و نظری اعتراض، مجازات نداشته باشد بلکه بیان کننده و معترض حتی ضدغه خاطر از امنیت خود نداشته باشد و دچار خودسائوری می نشود.

به هر حال اگر تاریخ به این نتیجه رسییده است که مردم سالاری پرفایده ترین و یکم تره ترین سامان حکومتی و اجتماعی است این را باید یک مرحله کمائی تاریخ بشر دانست. البته به شرطی که دموکراسی را آدمی است و دیگری شناخت تکیه و بدی، زیبایی و پلشتی و نیکویی غیر از آنچه‌زی است که در طبیعت وجود دارد؛ گرچه افلاطون خیر، زیبایی و حقیقت را یکی می بیند اما قری می‌ کند آنچه خودش به خواست و اراده آدمی مشروط نموده و آنچه که خواست و اراده آدمی در تحقق آن مؤثر است و علم، دارای دو شاخه واقعیت‌شناسی و ارزش‌شناسی است.

**اخلاق مبتنی بر آگاهی و آزادی است**

وی ادامه داد: زیبایی‌ها و خیرها و زوفاهایی که بر اساس آن شکل می‌گیرد، اخلاق را تشکیل می‌دهد. شناخت‌خیر و زیبایی و عمل به این اخلاق است و اخلاق در جایی است که آگاهی هم شناخت‌خیر و هم شناخت خیر و آزادی یعنی عمل مختارانه و آزاد بر پایه گزینش خیر باشد.

خاتمی توضیح داد: اگر آگاهی نباشد- و کسی خیر را نشناسد، کار اخلاقی نیست و اگر آگاهی باشد اما آزادی کامل نباشد و انسان هابه بنده هوس خویش یا اسیر هورای قدرت های جبار خودخواه باشد، هر چه علم هم داشته باشد- چون انگیزه آنها هوس یا ترس است این عمل اخلاقی نیست.

وی با تاکید بر اینکه «اخلاق بدون آزادی و آگاهی» تحقق نمی‌یابد اظهار کرد: انسان مطلوب انسانی است آگاه، آزاد و اخلاقی. مگر دین جز برای تربیت انسان آزاد، آگاه و اخلاقی آمده است؟ رسالت دین، انسان‌ترتیب است.

خاتمی افزود: اگر دینی مبلغ جهالت و نافی آگاهی باشد، مطمئن باشید که دین خالص نیست. اگر به نام دین با آزادی انسان مخالفت شود، دین، دین خرافی است. اگر دینی رفتار خرافاتی را مجاز می‌داند، این دین مطلوب خداوند نیست.

**دین حقیقی انسان را آگاه، آزاد و اخلاقی می‌خواهد**

وی گفت: دین حقیقی دینی است که انسان را آگاه، آزاد و اخلاقی می‌خواهد و پیامبران برای همین آمده‌اند تا آکا معلمی و مربی گری جز این است؟ معلمان بزرگترین اصلاح ران جوامع هستند یا باید باشند. خاتمی به دو نوع اخلاق دین و اجتماعی اشاره و بیان کرد: دروغ نگو، راست باش، پلشتی نکن، انصاف داشته باش؛ اینها در حوزه اخلاق فردی است اما وقتی انسان در جمع می‌آید، موضوعی به نام «فضیلت شهروندی» مطرح می‌شود.

**اخلاق مقدمه سیاست است**

وی گفت: در اندیشه سیاسی قدیم، اخلاق مقدمه سیاست بود و حتی در کتابی چون جمهوری افلاطون و آثار فارابی متافیزیک بنحوی مطرح می‌شود و عالم بنحوی تصویر و توجیه می‌شود که توجیه‌کننده نظام سیاسی مطلوب (از نظر این فیلسوفان) باشد.

خاتمی افزود: حاکمیت جباران و استغمرکان در تاریخ از جمله در دنیای اسلام و حکومت عیسی که گاه حاکمانی با رنگ‌شدن خطرناکی در نوع دیکتاتوری عرفی عمل می‌کردند، اندیشه در باب سیاست و اخلاق اجتماعیه بمحاق رفت.

وی با اشاره بر اینکه «انسان علاوه بر فضایل فردی باید دارای فضیلت شهروندی شده خطاب به معلمان بیان کرد: کار شما فقط ترویج فضیلت فردی نیست بلکه تربیت انسان صاحب حق و تکلیف (هر دو) و انسان اخلاقی و سیاسی کار معلم است و باید فضایل شهروندی خوب را در شاگردان بارور کرد.

خاتمی با یادآوری اینکه عقل عالم انسان می‌تواند معیارهای اخلاقی را تشخیص دهد و رشد و کمال تاریخی بشر اشاره کرد و گفت: اینکه بشر در طول تاریخ و خودکام همه از هزینه های فراوان به این نتیجه رسیده است که حکومت های خردکام و جبار مردم‌فرست و حکومت های برآمده از رضایت و دین مردم مطلوب، این یک تفاوت اساسی است که معتمد معتمد پروردگار بر آن قرار گرفته است و اختصاص به غرب و شرق ندارد.

### اخبار داخلی

## اخبار داخلی

## ایران، ازروز جمعه میزبان سفیران قرآنی ۷۵ کشور است

سرویس سیاسی – اجتماعی:رئیس ستاد عالی سی و دومین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم با اشاره به این که بیش از ۱۲۰ حافظ و قاری از بیش از ۷۵ کشور جهان در این دوره از مسابقات شرکت خواهند کرد، گفت: مراسم گرامش مسئول اکرم(ح) با حضور رئیس جمهوری در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما ، حجت الاسلام و المسلمین محمدی نماینده ولی فقیه و رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه دیروزدر نشست خبری:قرآن را پرچم امت اسلامی توصیف کرد و گفت: مسلمانان باید بر این معجزه الهی افتخار کنند و دلیل دشمنی و خصومت دشمنان اسلام باقرآن به این دلیل است که امت اسلام باتمسک به این کتاب الهی، پرچم اتحاد را در دست گرفته است.رئیس برگزاری مسابقات مختلف قرآنی را نوعی عمل به قرآن دانست و تصریح کرد: رقابت میان قاریان و حافظان قرآنی که در سایه جامعه اسلامی ایران برگزار می‌شود موجب آشنای















## اطلاعات

# ایران‌شناسی در جهان

ظهوراُت ساجدی

بخش سوم

کارنامه تحقیقات روسیه در زمینه ایران‌شناسی بسیار پربار است. متخصصان ایران‌شناسان روسیه در کم‌شمارترین محققان شرق‌شناسی این کشورند. روسها در دهه ۱۶۴۰ شروع به یادگیری زبان فارسی کردند؛ ولی عده اندکی به این کار همت گماردند. سه تن از استادان دانشگاه‌های سن پترزبورگ، مسکو و قازان را باید راهگشایان تحقیق و تألیف درباره ایران در روسیه دانست: یکی **الکسی بولدیرف** (۱۷۸۰-۱۸۴۷) بود که کتابهای درسی فارسی و عربی او تا اواخر قرن نوزدهم در دانشگاه‌های روسیه تدریس می‌شد، دیگری **اوسپ سکوفسکی** (۱۸۰۰-۱۸۵۸)، و اشتراف لهستانی بود که بعضی از کتابهای تاریخی فارسی را به زبان روسی ترجمه کرد، و سه دیگر ایرانی‌تباری به نام **میرزا اسکندر کامپبیک** (۱۸۲۰-۱۸۷۰) بود که گرچه متخصص ترک‌شناسی بود، ولی علاقه‌مند به مطالعات مربوط به ایران‌شناسی نیز بود. پس از آنها، باید از دو تن ایرانی‌شناس برجسته دیگر نام برد، یکی **الکساندر خودزکو** (۱۸۰۴-۱۸۹۷)، دانشمند لهستانی، مؤلف تاتار در ایران (۱۸۴۵) و دستور زبان فارسی (۱۸۵۲) که یک‌جند کنسول روسیه در ایران بود، و دیگری **والنتین ژوکوفسکی** (۱۸۵۸-۱۹۱۸) که در سالهای ۱۸۸۲-۱۸۸۶ در ایران درباره زبان و ادب فارسی و فرهنگ عامه ایران مشغول تحقیق بود و چون به روسیه بازگشت، حاصل تحقیق خود را منتشر کرد. مهمترین کارهای او تألیف مواد و مطالبی برای مطالعه لهجه‌های فارسی (۱۸۸۸-۱۹۲۳) و دستور مختصر زبان نوین فارسی (۱۸۹۰) و تصحیح کتاب اسرارالوحدید است.

قلم نیت

ایران‌شناسی در قرن بیستم به رغم وقوع دو جنگ جهانی، همچنان شکوفا ماند و حتی بعضی از کشورها با کوشش جدیدی وارد قلمرو آن شدند. فرانسه علاوه بر برنامه‌های قبلی خود درباره باستان‌شناسی در ایران و نیز ارائهٔ درس‌و آشنایی در دانشگاه‌ها و مراکز عالی آموزشی خود و تدوین فرهنگ‌های نسخ خطی فارسی، به همت ادگار بلوشه با **هانری کرین**، **میات یونبی** به ایران بخشید، تا آنجا که، پس از انقلاب اسلامی، دامنه آن را به کشورهای فارسی زبان یا کشورهای متأثر از زبان فارسی نیز گسترش داد. کرین در ۱۹۴۶ «انستیتیوی ایران و فرانسه» را در تهران تأسیس کرد و در بطر آن «بخش ایران‌شناسی» را بنیاد نهاد. این بخش، زیر نظر او، فعالیت انتشاراتی ارزشمندی آغاز کرد و به معرفی فلسفه و حکمت ایران اهتمام ورزید. به علاوه، در عرصه مکتب فلسفه خاورشناسی فرانسه بدعتی آورد که نه فقط توجه ایران‌شناسان غربی را به آن جلب کرد، بلکه سبب شد که شمار بیشتری از ایرانیان به تحقیق در ایران‌شناسی روی آورند. در آلمان مطالعات آریایی، به کمک دستور زبان تطبیعی، در بین ایران‌شناسان قبول خاص یافت و به همین سبب تبعاتی نیز درباره فرهنگ و تمدن ایران صورت گرفت. نام آوران بزرگ ایران‌شناسی آن دیسار، مانند **تودور نوله‌ک**، **یوزف مارکوارت**، " کارل فردریش گلندر"، **ارنست کوهن**، "فریدناخ یوستی"، هانس‌ها ینریش شدر"، هاینریش یونکر"، و هلموت ریتز"، به تحقیق در تاریخ قدیم ایران، زبانه‌ای تاری و ادبیاتی نهاد و نیز فارسی جدید و حساسه ملی مشغول شدند و حتی بعضی زمینه‌های تحقیقی جدید پدید آوردند. این فعالیتها، بسر اثر دو جنگ جهانی، تا حدی روی به رکود نهاد، لیکن تبعات ایران‌شناختی عصر اسلامی و مباحث عرفانی و ادبیات فارسی، که از طریق ایران‌شناسان نسل‌های بعدی، مانند برتولد اسپولر" و آنه ماری شیمل" صورت گرفت، روح تازه‌ای در ایران‌شناسی آلمان دمید. در طی قرن نوزدهم چندین ایران‌شناس انگلیسی تاریخ ایران را تدوین کردند، لیکن تاریخی که در نیمه دوم قرن بیستم، با عنوان تاریخ ایران کیچیربج تألیف شد، اقدامی استوار و کاری ارزشمند بود، خاصه از این جهت که در تألیف آن محققان ایرانی هم همکاری داشتند (راویشر، ج ۳، ۱۹۹۰)، اما زمینه ادبیات فارسی امروزه هم با نام آوران برون" و تاریخ ادبی ایران او پیشتر شناخته شده است تا با آثار ایران‌شناسان دیگری همچون چارلز امروز استوری" و آرتو جان آبرزی". تاریخ ادبی ایران براون هنوز در ایران همانند به خود ندیده است و با آنکه یک قرن از تألیف آن می‌گذرد، همچنان مرجع معتبری در تاریخ ادب ایران است، و در عین‌حال سهل‌الوصول است، زیرا همه مجلدات چهارگانه آن به فارسی ترجمه شده است (همان، ج ۳، ۱۹۹۰). از دیگر رویدادهای مهم ایران‌شناسی قرن بیستم در انگلستان ترجمه و چاپ انتقادی مثنوی معنوی (۱۹۲۴–۱۹۲۷) به کوشش رینولدالین نیکلسون" است. نیکلسون، قبل از آن، در ۱۹۰۵–۱۹۰۷ تذکره‌الاولیای عطار و ۱۹۲۱، فارس‌نامه ابن‌خللی را چاپ انتقادی کرده بود.

و اما در روسیه که در قرن نوزدهم بخش بزرگی از مطالعات خاورشناسی آن به ایران‌شناسی اختصاص داشت، در قرن بیستم پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، نگارش جدیدی به خاورشناسی پدید آمد که هدف آن در نهایت امر، پیدار کردن ملل شرق از طریق معرفی هویت ملی و اصالت فرهنگی آنها بود (بروتال، ص ۲۸). یکی از اقدامات جالب توجه ایران‌شناسی روسی در این قرن ترجمه آثار ادبیات فارسی، به ویژه ادبیات معاصر، به روسی بود، و چون این کار به منظور معرفی «ادبیات جهانی» " صورت می گرفت (ولندبرگ، ص ۲۳)، ادبیات تطبیعی جوان روسیه هم در کنار آن دست به فعالیت زد و به مقایله با افکار « اروپا محوری» برخاست (رضا، ص ۲۲۲).



دیگر مورخان ایران‌شناس این کشور آثار تاریخی ارزشمندی ارائه کردند که باعث کسب اعتبار ایران‌شناسی روسیه شوروی در سطح بین‌المللی شد (سکوفسکی، ص ۳۳). زبان‌شناسی نیز پس از انقلاب اکتبر با بهره‌برداری از مواد جمع‌آوری ششدهٔ مربوط به زبانها و گویشهای شمال و مرکز ایران، که قبل از ۱۹۱۷ آغاز شده بود، به نتایج بدیعی در تبعات خود دست یافت. تحقیق در زبانها و گویش‌های ایرانی که از اواسط قرن نوزدهم سخت مورد توجه آرنو دو گوبینو" و برنهارد دورن بود (اوبل، ص ۳۳، ۱۳۳۶، و والنتین ژوکوفسکی نیز نظر آگاهانه‌ای دربارهٔ اهمیت آن درحدلو ۱۸۸۸ م ایران کرده بود (رضا، ص ۲۱۷)، با اقدام بدیع ایران‌شناس سوئسی، ژورژ رودار" در سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ و سپس در سالهای بعد برای تهیه اطلس زبان‌شناسی ایران" به اوج خود رسید و حتی «انجمن بین‌المللی تحقیق لهجه‌های ایرانی» برای ضبط وروستماندهٔ گویش‌های ایرانی تأسیس شد (نیکین، ج ۱، ۵۵۰،۵۰۲). این امر نشان داد که تحقیق در گویشها و زبانهای ایرانی همچنان مهمترین وسیعترین مبحث ایران‌شناسی است.

بعد از برقراری نظم شوروری، بعضی از مستشرقان روسی از روسیه مهاجرت کردند؛ بعضی مانند ولادیمیر ایوانوف" (۱۸۸۶–۱۹۷۰) و ولادیمیر منورسکی" (۱۸۷۷–۱۹۶۶) تابعیت انگلیسی پذیرفتند و بعضی دیگر مانند بازیل نیکیتین" به تابعیت فرانسوی درآمدند؛ اما برجسته‌ترین متخصص مطالعات ایرانی واسیلی بارتولد" (۱۸۶۹–۱۹۴۰) بود که تحقیقاتش درباره تاریخ و جغرافیا منطقه ماورالنهر شهرت جهانی دارد و بخشی از آثارش اختصاص به مطالعات ایرانی دارد. و اما برجسته‌ترین متخصص مطالعات ایرانی یوگنی برتاس" (۱۸۹۰–۱۹۵۷) بودکه نزدیک به چهل سال ریاست شعبه ایران‌شناسی مؤسسه مطالعات شرقی روسیه را به عهده داشت. او بعضی از متون کهن فارسیی را به روسی ترجمه کرد و کتابهای درباره دستور زبان فارسی نوشت.

<b>ادامه دارد</b>
<b>پیشنهادهای دیگر:</b> <p>1.Rugarli/49.Boldyrev/2.Senkovskii/3.Chodzko/4.Zhukovski/5.Blochett/6.Corbin/7. Institut franco-iranien/8. Departement d'Iranologie/9.Noldeck/10. Markwart/11. Geldner/12. Kuhn/13.Justi/14.Schaeffer/15.Yunker/16. Ritter/17. Spuler/18. Schimmel/19. Bowne/20.Ch.A.storey/21.Arberry/22.Nicholson/23. Littérature mondiale/24.Barthold/25.Petruchevsky/26.Arthur de Gobineau/27.Redard/28.Asas linguistique de L'iran/29. Ivanov/30. Minorsky/31. Nikitine/32. Bartbold</p>

تاریخ هزار و صد سالهٔ شعر و ادب فارسی، مانند ششاهراهی است که در کنار آن چشم‌اندازهای زیبایی ذوق و آفرینش هنری از یک سسو به جویباران زلال محبت و عشق می‌پیوندد، از سوی دیگر به کوهساران فرهنگی گنق تکیه دارد که سخن گفتن از آن، ذخیرهٔ ذهنی بی‌کران می‌خواهد و در مشاهدهٔ آن قلم‌های بلند، مسافری باید فرو برد آید و تأمل کند و ببرد و پیامود؛ آنچه پیشتر آموخته است، به همهٔ پرسشهای او پاسخ نمی‌دهد. گاه نیز در گوشه‌ای از آن چشم‌اندازهای زیبا یا بر سینهٔ آن کوهساران، صاحب‌لی دلخوشه از زمین و زمان گلد دارد و از سیلات ناکامیهای خود، بر «پلی از آبیگنه» نمی‌تواند بگذرد.(قصیدهٔ ۶۸۹)

«بدیل» فرزند علی‌نجار از شهر شروان نزدیک باکو امروزی، که او را با شهرت «خاقانی» می‌شناسیم، هم آن چشم‌اندازهای زیبا را می‌بیند، و هم قلم‌های آن کوهساران را می‌شناسد، و پارسمشکهای الفاظ و معانی دور از ذهنش را از خسته‌هایبرمی‌چند و سر کل و گیاه آن چشم‌اندازهای زیبا می‌یابد، و راه مسافر را به گفتهٔ علی دشمنی سنگ‌لاخ می‌کنند(ص ۱۱۴)، در ایسن نوشته نمی‌خواهم دربارهٔ مشکلات بی‌شمار دیوان خاقانی و خاصه قصاید او با

شما حرف بزنم؛ اما برای رسیدن به پاسخ منطقی آن مشکلات، به همهٔ گوشه‌های زندگی او باید نگاه کنیم. به بیان دیگر، باید با سیری در سینهٔ همیشه‌درمند او، راز این زبان دور از فهم عموم و این همه خودستایی او را دریابیم و بازگویم. از هشت بند این نوشته، هفت بند همان سیر در سینهٔ درمند خاقانی است تا در بند هشتم به پاسخ پرسشها برسیم.

**۱- در تنگای خانهٔ پدری**
بگذاردیم با نگاهی به وقایع‌های زندگی خاقانی، پای درد دل او بنشینیم؛ سالها پس از روزگار کودکی و جوانی، هنگامی که پختگی سخن خاقانی حکایت از سالیانی آموختن و بازآموختن دارد، او از مادر خود به تکرار یاد می‌کند و همیشه بار منت او را بر دوش و ستایش او را بر زبان دارد. به گزارش خاقانی در منظومهٔ ختم‌العراپب که سالیانی با عنوان تحفه‌العراپب شهرت داشته و با همین نام انتشار یافته است، مادر او زنی مسیحی بوده و یک برده‌فروش او را در روم(۹) ربوده و از خان و فرمان‌دار خود کرده است. این زن در ششروان همسر استاد علی نجار شده و به اقتضای زندگی با یک مرد مسلمان، می‌بایست مسلمان هم شده باشد (ص ۱۵۴، ۱۷۷). سخن از روم هم در عصر خاقانی با این پرسش روبروست که: روم کجاست؟ تمام آسیای صغیر و جنوب اروپا را روم می‌گفتند!ا

او می‌بینم که از مشهورترین شعرهای اوست:
این مادر زنی است که برای گذران کسریهای فقیر کار می‌کند و «بروزهٔ روزی خاقانی، از ورش ریسیمان مادره است (دیوان، ص ۸۷)، کار مادر ریسندگی است و باز سخن از کمبود آب و نان است و خاقانی با این فقر می‌سازد و خود را هم سرزنش می‌کند که مانند جوجهٔ کوتر باید مادر از دهاخ خود غدایی در دهان او بگذارد؛ خود را «خلف مادر» می‌گوید، فرزند بدبختی که باید بمیرد و مادر بر او نوحه بخواند، و باز در تنگای مالی خانواده باید «حق دل مهربان مادر» را نگه دارد.

در مسوارد دیگری هم از مادر خود یاد می‌کند و نمی‌خواهد او دو دور بماند. در نخستین قصیدهٔ دیوان که حال و هوایی عارفانه دارد و با خودستایی همراه است، خاقانی گله دارد که «همه شروان مرا حاصل نیامد» ♦♦♦

نیمه‌دوست» و خود را چون حسین<sup>(۲)</sup> در کرپلا غریب

بی‌تکس می‌بیند. اشتیاق سفر به عراق و خراسان دارد

و هیچ روشن نیست که آیا او را به عراق یا خراسان دعوت هم کرده‌اند. یا نه؟ اما می‌گوید «مغر من دانیل،

کاختر یابی‌ست مادرم» (قصیدهٔ ۷۸۱)، همین اشارات مکرر

به مادری که نان‌آور خانواده است، حکایت از آن دارد

که دکان تجاری پدر رونقی نداشته است.

در دیوان خاقانی، تصویری از پدر او را هم در قصیده‌ای می‌بینم (قصیدهٔ ۱۰۰۸) که مانند ستایش‌نامه‌هایی که خاقانی برای دو ششروان شاه سروده، پر از اغراق است؛ اما در میان همان توصیف‌های اغراق‌آمیز روشن است که خاقانی جوهری در وجود استاد علی نمی‌بیند و فقط سرب ادای حق پدری، مدیحه‌ای هم می‌رای (ص ۱۹۱) ساخته است، سرشار از اوصافی که با آن نجار فقیر نمی‌خواند:
سینهٔ خاقانی مثل شیشهٔ خونگری حجامت‌کران پر از خون است، مثل شلاخ حجامت! اما شیخی هست کسه دل ویران او را مرمت می‌کند و این «پیر دروگر» همه علی نجار است که آرز بنگر و اقلیدس در برابر دانش او درآهند!اما، یوسف نیک‌نهاد «همسر مریم علرا – خود نبی کسی نیستند که در پیش او از هنر تجاری و خود سخن بگویند، و اگر استاد علی در زمان نوح بود، پلی بر سیلاب طوفان می‌ریخت می‌بست تا طوفان بگذرد!بند!» (ص ۲۸ تا ۳۱) رندهٔ تجاری او مثل قیغ مریم ستره جنگ، بران است که گدازد، با سنگ چاقوی چرخ زاید آن را تیز کند (ص ۹۶). استاد علی مانند همان جوی‌علین اقبال‌طلب پیشواز نبرد و پیشقدمی است، اما افسس دریدال است، و چیزی ندارد تا ببخشند. آئی است، اما «ناضامیر» است و یک ذره از ایمان او صد خاقانیی که در کودکی به حمایت و تعلیم عمومی خود – کافی‌الدین عمر – تکیه داشت و منت ارشاد و حمایت او نبند دارد، و هرگز شاگرد تجاری زید نبوده است، در این ستایش‌نامه می‌گوید که «پدر بخواد»

او گشت دکان او باشم، رأی همه رأی اوست» و در پی

<b>طاقق ایرانی</b>
<span></span>
<b>بیم زر</b>
<b>عصرالمالی</b>
وقتی دو صوفی با هم همی رفتند: یکی مجرب‌بود و دیگری پنج دینار داشت. مجرد دلیر همی رفت و باک نداشت و هر کجا که رسید، ایمن بود و جایگاه مخدومی می‌خفتی و می‌غلطیدی به مراد دل و خداوند پنج دینار، از بیم نیارستی خفتن. ولیکن به نفس موافق او بودی تا وقتی به سر چاهی رسیدند، جای مخوف بود و سر چند راز بود. صوفی مجرد طعام بخورد و خوش بخت و خداوند پنج دینار از بیم نیارست خفتن. همی گفت: «چه کنم؟ پنج دینار زاردم و این جای مخوف است و تو بخفتی و مرا خواب نیم‌گیرده یعنی که نمی‌یارم خفت و نمی‌یارم رفت. صوفی مجرب در گفت: «بنج

## ایران شناسی

این سخن، پدر را به ابری مانند می‌کند که «در صدف دایگی او قطرهٔ نسیان به گوهری تبدیل شده» و آن گوهر بی‌مانند خاقانی است، و انکار که همهٔ ستایشهای پدر برای این است که خود را بیش از

این تصویر تمام خانوادهٔ خاقانی نیست، عمو و عموزادهٔ او را می‌بینیم که پایهٔ فرهنگی بالاتری دارند، و شرح پیوند او را با ابوالعلاء گنجوی و بعد درافتادن با او را می‌خوانیم که وجود دیگری از سیمای خاقانی را نشان می‌دهد، و سنگینی زبان و محتوای قصاید او با همهٔ اینها ربط دارد.

تا اینجا جان کلام این است که کودکی هشیار و تنگناکو در خانهٔ پدر با پرسشهایی درگیر است که شاید خود نیز نمی‌داند که آن پرسشها چیست، و اگر بداند، پاسخگویی در آن خانه ندارد؛ گوئی فریادی در سینه او پیچیده است که من چه می‌خواهم؟

**۲- بن‌بستی بیرون از خانه**
اگر بگوییم که بعضی‌ها همیشه بد می‌آورند، نوعی

بگذاردیم با نگاهی به وقایع‌های زندگی خاقانی،

پای درد دل او بنشینیم؛ سالها پس از روزگار کودکی

و جوانی، هنگامی که پختگی سخن خاقانی حکایت از

سالیانی آموختن و بازآموختن دارد، او از مادر خود به

تکرار یاد می‌کند و همیشه بار منت او را بر دوش و

ستایش او را بر زبان دارد. به گزارش خاقانی در منظومهٔ

ختم‌العراپب که سالیانی با عنوان تحفه‌العراپب شهرت

داشته و با همین نام انتشار یافته است، مادر او زنی

مسیحی بوده و یک برده‌فروش او را در روم(۹) ربوده

و از خان و فرمان‌دار خود کرده است. این زن در ششروان

همسر استاد علی نجار شده و به اقتضای زندگی با

یک مرد مسلمان، می‌بایست مسلمان هم شده باشد

(ص ۱۵۴، ۱۷۷). سخن از روم هم در عصر خاقانی با این

پرسش روبروست که: روم کجاست؟ تمام آسیای صغیر

و جنوب اروپا را روم می‌گفتند!ا

او می‌بینم که از مشهورترین شعرهای اوست:
این مادر

زنی است که برای گذران کسریهای فقیر کار می‌کند و

«بروزهٔ روزی خاقانی، از ورش ریسیمان مادره است

(دیوان، ص ۸۷)، کار مادر ریسندگی است و باز سخن از

کمبود آب و نان است و خاقانی با این فقر می‌سازد و

خود را هم سرزنش می‌کند که مانند جوجهٔ کوتر باید

مادر از دهاخ خود غدایی در دهان او بگذارد؛ خود را

«خلف مادر» می‌گوید، فرزند بدبختی که باید بمیرد و

مادر بر او نوحه بخواند، و باز در تنگای مالی خانواده

باید «حق دل مهربان مادر» را نگه دارد.

در مسوارد دیگری هم از مادر خود یاد می‌کند و

نمی‌خواهد او دو دور بماند. در نخستین قصیدهٔ دیوان که

حال و هوایی عارفانه دارد و با خودستایی همراه است،

خاقانی گله دارد که «همه شروان مرا حاصل نیامد» ♦♦♦

نیمه‌دوست» و خود را چون حسین<sup>(۲)</sup> در کرپلا غریب

بی‌تکس می‌بیند. اشتیاق سفر به عراق و خراسان دارد

و هیچ روشن نیست که آیا او را به عراق یا خراسان دعوت هم کرده‌اند. یا نه؟ اما می‌گوید «مغر من دانیل،

کاختر یابی‌ست مادرم» (قصیدهٔ ۷۸۱)، همین اشارات مکرر

به مادری که نان‌آور خانواده است، حکایت از آن دارد

که دکان تجاری پدر رونقی نداشته است.

در دیوان خاقانی، تصویری از پدر او را هم در قصیده‌ای می‌بینم (قصیدهٔ ۱۰۰۸) که مانند ستایش‌نامه‌هایی که خاقانی برای دو ششروان شاه سروده، پر از اغراق است؛ اما در میان همان توصیف‌های اغراق‌آمیز روشن است که خاقانی جوهری در وجود استاد علی نمی‌بیند و فقط سرب ادای حق پدری، مدیحه‌ای هم می‌رای (ص ۱۹۱) ساخته است، سرشار از اوصافی که با آن نجار فقیر نمی‌خواند:
سینهٔ خاقانی مثل شیشهٔ خونگری حجامت‌کران پر از خون است، مثل شلاخ حجامت! اما شیخی هست کسه دل ویران او را مرمت می‌کند و این «پیر دروگر» همه علی نجار است که آرز بنگر و اقلیدس در برابر دانش او درآهند!اما، یوسف نیک‌نهاد «همسر مریم علرا – خود نبی کسی نیستند که در پیش او از هنر تجاری و خود سخن بگویند، و اگر استاد علی در زمان نوح بود، پلی بر سیلاب طوفان می‌ریخت می‌بست تا طوفان بگذرد!بند!» (ص ۲۸ تا ۳۱) رندهٔ تجاری او مثل قیغ مریم ستره جنگ، بران است که گدازد، با سنگ چاقوی چرخ زاید آن را تیز کند (ص ۹۶). استاد علی مانند همان جوی‌علین اقبال‌طلب پیشواز نبرد و پیشقدمی است، اما افسس دریدال است، و چیزی ندارد تا ببخشند. آئی است، اما «ناضامیر» است و یک ذره از ایمان او صد خاقانیی که در کودکی به حمایت و تعلیم عمومی خود – کافی‌الدین عمر – تکیه داشت و منت ارشاد و حمایت او نبند دارد، و هرگز شاگرد تجاری زید نبوده است، در این ستایش‌نامه می‌گوید که «پدر بخواد»

او گشت دکان او باشم، رأی همه رأی اوست» و در پی

این سخن، پدر را به ابری مانند می‌کند که «در صدف دایگی او قطرهٔ نسیان به گوهری تبدیل شده» و آن گوهر بی‌مانند خاقانی است، و انکار که همهٔ ستایشهای پدر برای این است که خود را بیش از این تصویر تمام خانوادهٔ خاقانی نیست، عمو و عموزادهٔ او را می‌بینیم که پایهٔ فرهنگی بالاتری دارند، و شرح پیوند او را با ابوالعلاء گنجوی و بعد درافتادن با او را می‌خوانیم که وجود دیگری از سیمای خاقانی را نشان می‌دهد، و سنگینی زبان و محتوای قصاید او با همهٔ اینها ربط دارد.

تا اینجا جان کلام این است که کودکی هشیار و تنگناکو در خانهٔ پدر با پرسشهایی درگیر است که شاید خود نیز نمی‌داند که آن پرسشها چیست، و اگر بداند، پاسخگویی در آن خانه ندارد؛ گوئی فریادی در سینه او پیچیده است که من چه می‌خواهم؟

**۲- بن‌بستی بیرون از خانه**
اگر بگوییم که بعضی‌ها همیشه بد می‌آورند، نوعی

بگذاردیم با نگاهی به وقایع‌های زندگی خاقانی،

پای درد دل او بنشینیم؛ سالها پس از روزگار کودکی

و جوانی، هنگامی که پختگی سخن خاقانی حکایت از

سالیانی آموختن و بازآموختن دارد، او از مادر خود به

تکرار یاد می‌کند و همیشه بار منت او را بر دوش و

ستایش او را بر زبان دارد. به گزارش خاقانی در منظومهٔ

ختم‌العراپب که سالیانی با عنوان تحفه‌العراپب شهرت

داشته و با همین نام انتشار یافته است، مادر او زنی

مسیحی بوده و یک برده‌فروش او را در روم(۹) ربوده

و از خان و فرمان‌دار خود کرده است. این زن در ششروان

همسر استاد علی نجار شده و به اقتضای زندگی با

یک مرد مسلمان، می‌بایست مسلمان هم شده باشد

(ص ۱۵۴، ۱۷۷). سخن از روم هم در عصر خاقانی با این

پرسش روبروست که: روم کجاست؟ تمام آسیای صغیر

و جنوب اروپا را روم می‌گفتند!ا

او می‌بینم که از مشهورترین شعرهای اوست:
این مادر

زنی است که برای گذران کسریهای فقیر کار می‌کند و

«بروزهٔ روزی خاقانی، از ورش ریسیمان مادره است

(دیوان، ص ۸۷)، کار مادر ریسندگی است و باز سخن از

کمبود آب و نان است و خاقانی با این فقر می‌سازد و

خود را هم سرزنش می‌کند که مانند جوجهٔ کوتر باید

مادر از دهاخ خود غدایی در دهان او بگذارد؛ خود را

«خلف مادر» می‌گوید، فرزند بدبختی که باید بمیرد و

مادر بر او نوحه بخواند، و باز در تنگای مالی خانواده

باید «حق دل مهربان مادر» را نگه دارد.

در مسوارد دیگری هم از مادر خود یاد می‌کند و

نمی‌خواهد او دو دور بماند. در نخستین قصیدهٔ دیوان که

حال و هوایی عارفانه دارد و با خودستایی همراه است،

خاقانی گله دارد که «همه شروان مرا حاصل نیامد» ♦♦♦

نیمه‌دوست» و خود را چون حسین<sup>(۲)</sup> در کرپلا غریب

بی‌تکس می‌بیند. اشتیاق سفر به عراق و خراسان دارد

و هیچ روشن نیست که آیا او را به عراق یا خراسان دعوت هم کرده‌اند. یا نه؟ اما می‌گوید «مغر من دانیل،

کاختر یابی‌ست مادرم» (قصیدهٔ ۷۸۱)، همین اشارات مکرر

به مادری که نان‌آور خانواده است، حکایت از آن دارد

که دکان تجاری پدر رونقی نداشته است.

در دیوان خاقانی، تصویری از پدر او را هم در قصیده‌ای می‌بینم (قصیدهٔ ۱۰۰۸) که مانند ستایش‌نامه‌هایی که خاقانی برای دو ششروان شاه سروده، پر از اغراق است؛ اما در میان همان توصیف‌های اغراق‌آمیز روشن است که خاقانی جوهری در وجود استاد علی نمی‌بیند و فقط سرب ادای حق پدری، مدیحه‌ای هم می‌سازد و خود را هم سرزنش می‌کند که مانند جوجهٔ کوتر باید مادر از دهاخ خود غدایی در دهان او بگذارد؛ خود را «خلف مادر» می‌گوید، فرزند بدبختی که باید بمیرد و مادر بر او نوحه بخواند، و باز در تنگای مالی خانواده باید «حق دل مهربان مادر» را نگه دارد.

در مسوارد دیگری هم از مادر خود یاد می‌کند و نمی‌خواهد او دو دور بماند. در نخستین قصیدهٔ دیوان که حال و هوایی عارفانه دارد و با خودستایی همراه است، خاقانی گله دارد که «همه شروان مرا حاصل نیامد» ♦♦♦

نیمه‌دوست» و خود را چون حسین<sup>(۲)</sup> در کرپلا غریب

بی‌تکس می‌بیند. اشتیاق سفر به عراق و خراسان دارد

و هیچ روشن نیست که آیا او را به عراق یا خراسان دعوت هم کرده‌اند. یا نه؟ اما می‌گوید «مغر من دانیل،

کاختر یابی‌ست مادرم» (قصیدهٔ ۷۸۱)، همین اشارات مکرر

به مادری که نان‌آور خانواده است، حکایت از آن دارد

که دکان تجاری پدر رونقی نداشته است.

در دیوان خاقانی، تصویری از پدر او را هم در قصیده‌ای می‌بینم (قصیدهٔ ۱۰۰۸) که مانند ستایش‌نامه‌هایی که خاقانی برای دو ششروان شاه سروده، پر از اغراق است؛ اما در میان همان توصیف‌های اغراق‌آمیز روشن است که خاقانی جوهری در وجود استاد علی نمی‌بیند و فقط سرب ادای حق پدری، مدیحه‌ای هم می‌سازد و خود را هم سرزنش می‌کند که مانند جوجهٔ کوتر باید مادر از دهاخ خود غدایی در دهان او بگذارد؛ خود را «خلف مادر» می‌گوید، فرزند بدبختی که باید بمیرد و مادر بر او نوحه بخواند، و باز در تنگای مالی خانواده باید «حق دل مهربان مادر» را نگه دارد.

در مسوارد دیگری هم از مادر خود یاد می‌کند و نمی‌خواهد او دو دور بماند. در نخستین قصیدهٔ دیوان که حال و هوایی عارفانه دارد و با خودستایی همراه است، خاقانی گله دارد که «همه شروان مرا حاصل نیامد» ♦♦♦

نیمه‌دوست» و خود را چون حسین<sup>(۲)</sup> در کرپلا غریب

بی‌تکس می‌بیند. اشتیاق سفر به عراق و خراسان دارد

و هیچ روشن نیست که آیا او را به عراق یا خراسان دعوت هم کرده‌اند. یا نه؟ اما می‌گوید «مغر من دانیل،

کاختر یابی‌ست مادرم» (قصیدهٔ ۷۸۱)، همین اشارات مکرر

به مادری که نان













































۲۲۰

# فرهنگ

چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۴ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال هشتاد و نهم - شماره ۲۶۱۵۵

آموزه

من این جمله گاندی را  
هیچ وقت فراموش نمی‌کنم  
که می‌گوید: همان تغییری باشید  
که در جستجوی آن هستید.



نلسون ماندلا

قلم‌انداز

کریم فیضی

## ظهور جامعه شبکه‌ای

اشاره: آنچه در شماره‌های قبلی این ستون درباره دیجیتالایسم و ارتباطات نوین گفتیم، در دیدگاه‌های برخی از متخصصان رشته ارتباطات قابل ملاحظه است. آنچه در پی می‌آید بخشی از دیدگاه‌های پروفیسور مانوئل کاستلز است که در کتاب «ظهور جامعه شبکه‌ای» به قلم آورده است.

رسانه‌ها به ویژه رادیو و تلویزیون به محیط دیداری - شنیداری تبدیل شده‌اند که ما به گونه‌ای بی‌پایان و خودکار با آن ارتباط متقابل برقرار می‌کنیم. غالباً حضور تلویزیون بیش از هر چیز در خانه حس می‌شود. (ظهور جامعه شبکه‌ای / ۳۸۹)

می‌توان چنین تصور کرد که حضور گسترده و قدرتمند پیام‌های صوتی و تصویری که به گونه‌ای ناخودآگاه مارا برمی‌انگیزاند، تأثیرات شدیدی بر رفتار اجتماعی داشته باشند. ۳۸۹

این یکی از شگفتی‌های تاریخ اندیشه است که دقیقاً همان اندیشمندانی که طرفدار تغییر اجتماعی هستند، غالباً مردم‌راپذیرندگان منفعل ایدئولوژی‌سازی می‌دانند و مفاهیم جنبش‌های اجتماعی و تغییرات اجتماعی را نادیده می‌انگارند. ۳۹۰

درباره ذهن: طبق تعدادی از آزمایش‌هایی که در روانشناسی انجام گرفته، نشان می‌دهد که حتی اگر تلویزیون در هر دقیقه ۳۶۰۰ تصویر از هر کانال نشان دهد، بازهم ذهن از میان هر یک میلیون محرکی که ارسال می‌شود، تنها به یک محرک حسی واکنش آگاهانه نشان می‌دهد. ۳۹۱

با این همه، تأکید بر استقلال ذهن انسان و نظام‌های فرهنگی فردی در تعیین معنای واقعی پیام‌های دریافتی به این معنا نیست که رسانه‌ها نهادهایی خنثی هستند یا اینکه می‌توان تأثیرات آنها را نادیده انگاشت. ۳۹۱

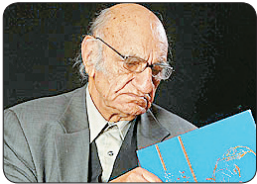
... ذهنیت مردم به گونه‌ای بنیادین توسط رسانه‌ها شکل می‌گیرد و تلویزیون پیش‌تاز این رسانه‌هاست. تأثیر اجتماعی تلویزیون مسأله بودن یا نبودن است! ۳۹۱

رسانه‌ها به دلیل اینکه تاروپود نمادین زندگی ما هستند، همچون تجارب واقعی که به رؤیاهای ما تأثیر می‌گذارند، برآگاهی و رفتارها تأثیر می‌گذارند و مواد خاصی را فراهم می‌سازند که ذهن ما با استفاده از آن کار می‌کند. گویی دنیای رؤیاهای تصویری (اطلاعات - سرگرمی‌هایی که توسط تلویزیون تهیه می‌شود) قدرت انتخاب، ترکیب مجدد و تفسیر تصاویر و صداهایی را که از طریق کنش‌های جمعی یا سلیقه‌های فردی ما ایجاد شده‌اند، به ضمیر ناخودآگاه ما باز می‌گرداند. ۳۹۲

رسانه‌ها تجلی فرهنگ ما هستند و فرهنگ ما عمدتاً از طریق موادی که رسانه‌ها فراهم کرده‌اند، کار می‌کند. ۳۹۲

به دلیل تنوع رسانه‌ها و امکان تلاش برای جذب مخاطبان ویژه می‌توان گفت که در نظام نوین رسانه‌ای، پیام همان رسانه است به این معنا که ویژگی‌های پیام ویژگی‌های رسانه را شکل می‌دهد. ۳۹۵ و ۳۹۶  
با وجود اینکه رسانه‌ها واقعاً در سطح جهانی با یکدیگر مرتبط شده‌اند و برنامه‌ها و پیام‌ها در شبکه جهانی در گردش هستند، ما در دهکده‌ای جهانی زندگی نمی‌کنیم بلکه در کلبه‌هایی فراخور حال هر منطقه زندگی می‌کنیم که در سطحی جهانی تولید و در محدوده محلی توزیع شده‌اند. ۳۹۷

۵



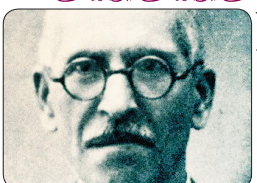
بایاد کتر باستانی پاریزی  
کوچه هفت پیچ

۵-۴



از کتاب «روش و حقیقت»  
مسئولیت دانشمند

۶



بزرگان ایران زمین  
یادی از علامه قزوینی

۵-۴



داستان نویس معاصر  
مردی که فصیح بود

۲



ضرورت نجات ارزشهای تجربه شده  
تحقیق در باره سرقتی

۳

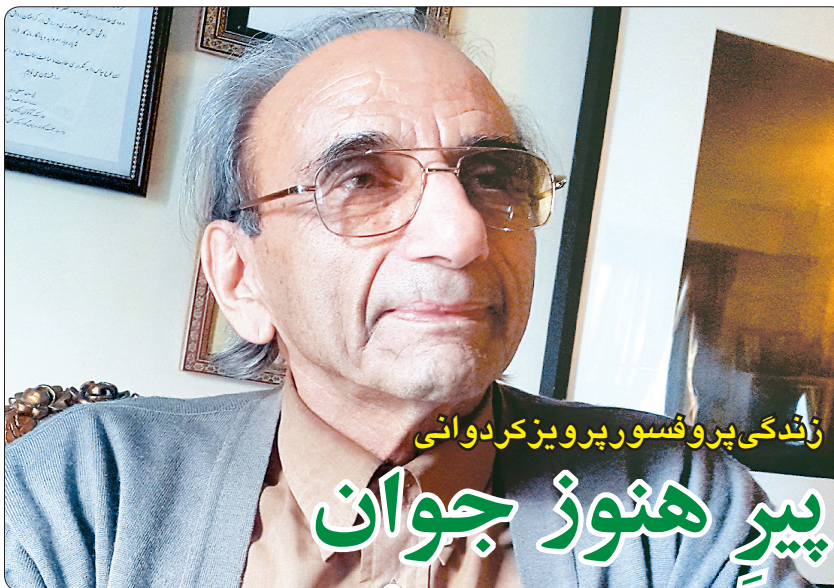


از میراث طب سینوی  
سلامت و جغرافیا

۷



پرسه در کتابفروشی‌های قدیم  
کتابفروشی معرفت



زندگی پروفیسور پرویز کردوانی  
پیر هنوز جوان

از آن جمله است مدعای واقع بودن گرم‌ترین نقطه کره زمین در بیابان لوت ایران و اثبات آن که توانست در دهه گذشته در کتابی علمی آن را تحریر و منتشر کند.

دکتر کردوانی توانست با همراه ساختن هیاتی از دانشگاه پاریس با خود، برای تحقیق در بیابان لوت موفق به اثبات این فرضیه شود که کویر لوت از هر نقطه دیگر کره زمین گرم‌تر است. خودش می‌گوید:

«البته استراتیل زاور - که یکی از جغرافیدانان مشهور بود - قبل از ما در مورد لوت تحقیقاتی انجام داده بود ولی اینجا را به عنوان گرم‌ترین نقطه زمین معرفی نکرده بود. آنچه وی گزارش کرده بود با آنچه که ما ثابت کردیم از نظر گرمای این منطقه تفاوت فاحشی داشت. تا آن زمان تصور می‌شد گرم‌ترین نقطه زمین دره مرگ آمریکا یا ربع الخالی عربستان است که بعد معلوم شد کویر لوت است. در بعضی از نواحی آن که ما پژوهش کردیم حتی آثار حیات هم وجود نداشت. البته این را ثابت کردیم. بنابراین می‌توان گفت کویر لوت، کره ماه زمین است!»

دکتر پرویز کردوانی معتقد است باید از منابع انرژی به منزله میراث طبیعی ایران حفاظت کرد:

میراث طبیعی به جای مانده در ایران به لحاظ انرژی‌های تجدید شونده، شامل نور خورشید، باد و خاک بسیار غنی است. وجود بیابان لوت و انرژی گرمایی نهفته در آن، مزیت بزرگی برای ایران محسوب می‌شود. زمانی که در سال ۱۳۵۴ پروفیسور «پرترا» شیمی‌دان انگلیسی به ایران سفر کرد، در مورد منبع عظیم انرژی بیابان و کویر گفت: نور خورشید در هر متر مربع از کویر و بیابان ایران می‌تواند لامپی معادل ۲۵۰ ولت را روشن کند.

دکتر کردوانی بیشترین زمانش را صرف تحقیق و تدریس می‌کند و بعد از این دور کار، به نگارش کتاب پرداخته است، کتاب‌هایی که علاوه بر رشته تحصیلی اش، گاه شامل حوزه‌های بسیار دور از رشته اش نیز می‌شود. از کتاب‌های این استاد شاخص می‌توان به: عمران کویر، کویر (نمکزار) بزرگ مرکزی ایران و مناطق همجوار آن، موضوع‌های بسیار متنوعی از خاکشناسی، (جغرافیای خاکها؛ حفاظت خاک)، اکولوژی (اکوسیستم‌های طبیعی)، آب‌شناسی (اکوسیستم‌های آبی؛ آب‌های شور؛ آب‌های سطحی و زیرزمینی؛ ژئوهیدرولوژی)، (مرتع‌شناسی (مراعات ایران)، و سرانجام خشکی و مسایل آن (مناطق خشک؛ ویژگی‌های اقلیمی، علل خشکی، مسائل آب؛ خشکسالی و راه‌های مقابله با آن در ایران اشاره کرد.

ادامه در صفحه ۶

تولد در خانواده‌ای متعین و متمول، انجام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در گرمسار، اخذ دیپلم متوسطه از مدرسه فرانسوی‌ها در تهران، عزیمت به آلمان و ادامه تحصیل در رشته عمران کویر، احراز رتبه اول دوره دکترا، بازگشت به ایران و استخدام در دانشکده کشاورزی ارومیه (رضائیه) در سال ۱۳۴۵، انتقال به گروه آموزشی جغرافیا در دانشگاه تهران و آغاز تدریس در تهران ۱۳۴۸، رسیدن به مدیرکلی دفتر مطالعات آموزشی دانشگاه تهران در سالهای ۴۸ تا ۵۴، بنیانگذاری و ریاست مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران در سال ۵۴ تا ۵۸، راهنمایی بیش از ۱۵۰ پایان‌نامه فوق‌لیسانس و دهها رساله دکترا، مطالعات میدانی در مناطق کویری و بیابانی ایران، انتخاب به عنوان استاد نمونه دانشگاه تهران در ۲ سال ۷۸ و ۸۰، دریافت جایزه «مهرگان علم» به خاطر تألیف بهترین کتاب سال در زمینه محیط زیست، عضویت در بنیاد مطالعات آسیایی، شبکه آب خاورمیانه، عضو هیات امنای صلح سبز، رئیس کمیته بیابان‌زدایی انجمن متخصصان محیط‌زیست ایران و تألیف بیش از ۲۰ جلد کتاب و دهها مقاله علمی به زبان‌های فارسی، انگلیسی و آلمانی و سخنرانی‌های متعدد در مجامع علمی داخلی و خارجی، تنها بخشی از کارنامه پروفیسور پرویز کردوانی، پدر کویرشناسی ایران است؛ مردی همپای تلاش و همزاد کوشش.

پدرش مرحوم حسینیعلی بلوکباشی، بزرگ ملاک منطقه بود. پرویز کوچک تحصیلات ابتدایی را در دبستان داراب ریکان و دوره متوسطه را به قول قدیمی‌ها تا کلاس ۹ در دبیرستان آفتاب گرمسار گذراند. دست روزگار او را به تهران کشاند تا دیپلمش را از دبیرستان رازی - که آن ایام به مدرسه فرانسوی‌ها مشهور بود - بگیرد. پس از پایان تحصیلات متوسطه برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و مراتب تحصیلی‌اش را تا اخذ درجه دکترا رشته عمران کویر طی کرد. برای انجام پروژه پایان تحصیلی‌اش یک تن از خاک‌های کویری ایران را به آلمان برد و با کسب رتبه اول در میان تمامی دانشجویان این رشته سال ۱۹۶۶ دکترایش را دریافت کرد و مورد تشویق مقاماتی در آلمان و ایران قرار گرفت. پس از بازگشت به ایران به عنوان اولین عضو هیات علمی دانشکده جدیدالتأسیس کشاورزی ارومیه استخدام شد و پس از ۲ سال تدریس در این دانشکده در سال ۱۳۴۷ به گروه آموزشی جغرافیای دانشگاه تهران انتقال یافت. در همین سال‌ها مطالعه میدانی خود روی مناطق کویری ایران را با جدیت فراوان دنبال کرد و به اکتشافات منحصر بفردی در ارتباط با جغرافیای طبیعی بیابان لوت ایران دست یافت.





## حقوق

## عباسعلی اکبری حامد

خدای راه می‌ام‌شست و شوی خرقه کنید  
که من نمی‌شنوم بوی خیر ازین اوضاع  
به فیض جرعه جام تو تشنه‌ایم ولی  
نمی‌کنیم دلیری، نمی‌دهیم صداع  
هنر نمی‌خرد ایام و غیر از اینم نیست  
کجا روم به تجارت بدین کساد متاع  
(دیوان حافظ - خانلری / ۵۹۰، ۱۳۶۲)

کم و زیادی هم در این عناصر ممکن است مورد نظر طرفین قرار گیرد. در کتاب به تفصیل و با تحلیل - حقوقی از این امور صحبت شده است. (صفحه ۴۰ و بعد و صفحه ۱۱۷ - الی ۱۲۶ - چاپ ۱۹۶۹ - پاریس).  
این مفهوم در اثر تصویب و اجرای قانون راجع به تعدیل مال الاجاره‌ها در اول دی‌ماه ۱۳۱۷ و آئین‌نامه اجرائی آن - که آخرین آن - آئین‌نامه تعدیل مال الاجاره مستغلات مصوب ۱۳۲۴/۷/۲۵ - (صفحه ۲۸۴ و بعد - مجموعه قوانین سال ۱۳۲۴ - نشریات روزنامه رسمی کشور) بود که تدوین

## ضرورت نجات ارزشهای تجزیه شده از قبال

## تحقیق درباره سرقفلی



## ...و من هم متهم می‌کنم

فقر معنوی حاصل از قناعت به تقریب و توسل به ادراک محسوسات بدون اندیشه متفطن طبعاً بقول میرداماد فرصت رسیدن به اوج معرفت را در دسترس نمی‌گذارد. در این اواخر به مکاشفه‌ای در اظهارنظرهای کارشناسی و پاره‌ای احکام مراجع قضائی برخورد هام مدعی شده‌اند - (حق کسب یا پیشه یا تجارت) امر متفاوتی از - (سرقفلی) است. جف‌القلم در بیان این طرز تعبیر به تبعات اجتماعی و اقتصادی، در حد ملاحظه واقعیت‌ها توجهی نشده است. شایسته می‌نماید به ارشاد نظامی گنجوی در جهت توصیه - (میکوش بهرورق که خوانی، تا معنی آن تمام دانی) توجهی داشته باشیم و هم آواز با - جان چپاردی - کم خواندن و با دقت خواندن را ملحوظ داریم تا به - تفقه و اجتهاد - قضائی - میدان

بدهیم، که سخت مورد نیاز می‌باشد.  
- آیا افتراق و تمایزی بین (سرقفلی) و - (حق کسب و پیشه یا تجارت) - وجود دارد؟

- تأمل در حنبه فنی مربوط به ارزیابی و اظهارنظر در امور مالی مربوط به تعدیل اجاره بها، قیمت‌گذاری به (سرقفلی) - را بهر کارشناسی بدون توجه بقواعد خاص قانون ۱۳۵۶ - در حدود قواعد عام قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری میتوان ارجاع کرد؟

ترقی مادی و معنوی خیره‌کننده بعضی از جوامع بشری در قرن نوزدهم میلادی به صورت ثانوی، تحول و دگرگونی در مفاهیم را، مخصوصاً در مفهوم - (مال) Bien - به وجود آورد، در امور بازرگانی و در توجه به طرز عمل در فعالیت‌های تجاری، باقتضاء دو خصوصیت عمده حقوق تجارت یا (حقوق اقتصادی ناظر به گردش ثروت) یعنی تأمین سرعت و تقویت اعتبار به افزایش مفاهیم شکل‌پذیری در این قلمرو حقوقی کمک کرد و یکی از آن مفاهیم پیدایش تعبیر Le fonds de commerce بوده است. سابقه عمل و تحولاتی که در این راه به ظهور آمده است در فصل پنجم کتاب: Traité Élémentaire de droit commercial نوشته ژرژریپر - (۱۹۶۳ - پاریس) و کتاب Droit commercial اثر مشترک Roger Homin, René Rodiere (صفحه ۱۶۷ - الی - صفحه ۲۵۰ - چاپ ۱۹۷۰ - از انتشارات دالوز - چاپ پاریس) به طور تفصیل آمده است. لب مطلب بنا به تعریف (رنه رودیر - و - روزه هوبن) بدین صورت تقریب به ذهن می‌شود:

این عناصر مادی و معنوی، در هر شغلی از مشاغل بازرگانی به نوعی متفاوت ملحوظ می‌افتد. بسته به توافق و شروط قراردادهای و توافق طرفین

گرفت.

- در برگشت به ایران به تدریس در دانشکده حقوق پرداخت. در ۱۳۱۲ - رئیس دانشکده مرحوم علی‌اکبر دهخدا (متولد ۱۲۵۸ - متوفی ۱۳۳۴ ه.خ.) دکتر زنگنه را به معاونت خود پیشنهاد کرد و در این سمت تا سال ۱۳۱۵ - مشغول خدمت بود و بعد از او دکتر سیدعلی شایگان مولی شیرازی به جای او به کار پرداخت.  
- در این ایام از بدو ورود به دانشکده حقوق به امر تدریس هم مشغول بود و دو کتاب درسی خود را به نام‌های (بانک) و (حقوق بازرگانی)

نیازمندی‌های شهر و توسعه معابر مصوب ۱۳۴۲ با تعبیر (سرقفلی) یاد شده است:

«تبصره یک - ماده ۷ لایحه قانونی ۱۳۴۲ - چنانچه ملک یا مستغلی که در نقشه عملیات شهرداری واقع و برابر این قانون نسبت به آن عمل می‌شود محل کسب باشد،  
«هیئت کارشناسان بدوی یا تجدیدنظر مکلف هستند در ارزیابی قیمت ملک و ارزش سرقفلی مستأجر را به طور تفکیک تعیین نمایند و در این صورت شهرداری به ترتیبی که برای پرداخت در این لایحه قانونی تعیین شده قیمت ملک را به مالک و ارزش سرقفلی را عیناً به مستأجر خواهد پرداخت. (عین متن - صفحه ۸۶ - مجموعه قوانین سال ۱۳۴۲ چاپ روزنامه رسمی) (اطلاع از مدلول این تبصره حاصل ارشادات دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی می‌باشد)

در ماده ۲۷ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷ و آئین‌نامه نحوه تعیین و تشخیص و پرداخت حق کسب و پیشه یا تجارت ۱۳۴۸ هم این تعبیر قانونی ۱۳۳۹ به کار رفته است. این تعبیر در قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ ه.خ. به صورت - (حق کسب یا پیشه یا تجارت) درآمد. کلاً این تعابیر مورد ایراد مرحوم دکتر امیرناصر کاتوزیان (متولد ۱۳۱۰ - متوفی ۱۳۹۳ ه.خ.) قرار گرفته است. او قاضی خوش‌استنباط دادگستری در امور مدنی و بعد استاد ارزنده دانشکده حقوق بود و خود آن مرحوم چون شرح احوال خود را در کتابی با اسم و بالهام از شعر جلال‌الدین محمد نوشته است توضیح خود آن مرحوم مغتنم است و بهتر که فیض از کتاب طلبیم. نام کتاب (زندگانی من ... از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود؟)

و به نقطه نظر آن مرحوم در این خصوص قناعت کنیم. کاتوزیان به - (جانفندان این اصطلاح حق کسب یا پیشه یا تجارت اشاره می‌کند) و اضافه می‌نماید - (امروز همه این اصطلاح را حق سرقفلی می‌نامند و اگر کسی بخواهد حق کسب یا پیشه یا تجارت را بدیگری بفهماند باید آن را به سرقفلی برگرداند. (کتاب حقوق مدنی - دوره عقوق معین یک - صفحه ۴۰۴ و بعد چاپ ۱۳۶۳ - ه.خ. تهران).

با حفظ این توضیحات، قطعاً تمایزی بین مفهوم (سرقفلی) و (حق کسب یا پیشه یا تجارت) وجود ندارد.

کارشناسی وسیله تحقیق است و دلیل اثباتی در مقام ترفع اعم ازله و علیه محسوب نمی‌شود. (هفته دادگستری شماره ۳۸ - صفحه ۲۵۴ و بعد از نشریات اداره حقوقی وزارت دادگستری) با این نکته تصریح دارد :-

«نظر کارشناس مانند معاینه محل برای روشن شدن دعوی و ادله آن است»

«او خود جز دلائل نیست از این روی آن را هم قانون به نظر دادگاه محول کرده» که در صورت اقتضاء جلب نظر کارشناس شود» (عین متن)

اصل بی‌طرفی قاضی، واحصاء‌نشستن کارشناسی جز ادله در ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی و ملاک مستفاد از ماده ۲۶۵ قانون آئین دادرسی در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ - موبد بر مصیب بواقع بودن نظر اداره حقوقی وزارت دادگستری است و نظر کارشناس تازمانی که با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد دادگاه نمی‌تواند بدان ترتیب اثر بدهد. با این موازین قانونی در تعیین موقعیت کارشناس الزاماً کارشناس حق دخالت در امور قضائی و تفسیر توام با این تحمیل به طاق‌الفاظ قانونی ندارد و متقابلاً در مورد قانون آمره به ملاک ماده ۳۰ قانون ۱۳۵۶ ه.خ. ملزم به قناعت به قدر متیقن مستفاد از متن قانون می‌باشد.

نوشت.

در ادوار چهاردهم و پانزدهم مجلس شورای ملی به نمایندگی از حوزه کرمانشاه به مجلس رفت.

- در ۱۳۲۵ به ریاست دانشکده حقوق منصوب شد و تا آخر عمر قریب به ۴۸ سالگی در این سمت مشغول بود.

- در پنجشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۲۶ - ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) او را به سمت (معاونت پارلمانی نخست‌وزیر) معرفی کرد. در کابینه سپهد حاج علی‌رزم آراء در بهمن ماه ۱۳۲۹ به سمت وزیر فرهنگ معرفی شد.

- در جلد مقدمه - لغتنامه دهخدا - از دکتر زنگنه به عنوان عضو هیأت تدوین لغتنامه یاد شده است. در ۱۳۲۶ - هم قسمت مختصری از - (اعلام) - لاروس کوچک را به فارسی ترجمه کرد. (صفحه ۴۲۰/)

این صاحب‌نظر ایرانی در کتاب - (حقوق بازرگانی) در چاپ دوم می‌نویسد:

«آقای خلعت‌بری (متوفی به سال ۱۳۵۵) در کتاب حقوق تجارت خود این جمله را (منظور تعریف حق سرقفلی) را که در زبان فرانسه Fonds de commerce می‌نامند به حق تجاری تعبیر نموده است. ولی به نظر می‌آید که «اگر کلمه (سرقفلی) - را که در زبان عامه مصطلح است قبول کرده و اگر عمومیت هم ندارد آنرا عمومیت بدهیم مناسبتر خواهد بود مضافاً بر اینکه هر حقی که در قانون تجارت به مناسبت شغل تجارت برای تاجر شناخته شده است، «تجارتی است» (صفحه ۳۸ و بعد - متأسفانه سال چاپ قید نشده است).

از این حق بهمین صورت در لایحه قانونی

و بمورد اجراء گذاشته شد. مسایل مطروحه در مورد قانون ۱۳۱۷ و آئین‌نامه‌های اجرائی آن، در عرف بازار مفهوم خرید و فروش - (سرقفلی) - را متداول کرد، که با طرز تلقی صاحب‌نظران فرانسوی و موازین قانونی آنها فرق عمده و غیرقابل تطبیق داشت و در کشور ایران موضوع در حد واگذاری حق تقدم در اشغال محل اجاره مورد نظر بود و بعضی مشاغل که محل کسب نداشتند از این امتیاز در خرید و فروش برخوردار نبودند و غالباً آنها را که به صورت سرپائی و بدون دفتر و حجره و محل کسب، کار می‌کردند طبعاً سرقفلی در موردشان متصور نبود. در طول زمان از این حق در مقررات ۱۳۳۹ و ۱۳۵۶ - با تعبیر - (حق کسب و پیشه یا تجارت) - و یا (حق کسب یا پیشه یا تجارت) - یاد گردید.

مرحوم دکتر عبدالحمید اعظمی زنگنه (متولد ۱۲۸۳ - متوفی ۱۳۳۰ ه.خ.) نقطه نظری متین و درخور توجه دارد، و برای اینکه از مذمت - با نقل قول ساختن و با نقل قول خراب کردن - مصون باشیم بهتر است با اشاره به سابقه تحصیلی این فرزانه متولد کرمانشاه و مشاغلی که داشته است به اختصار اشاره‌ای بشود:

- در سال ۱۳۰۷ - پس از پایان تحصیلات مقدماتی در مدرسه حقوق و علوم سیاسی، جزو اولین دسته از محصلین ایرانی، به فرانسه اعزام گردید.

- مدرسه علوم سیاسی پاریس را در ۱۳۱۲ به پایان رسانید. بعد رشته (علم مالیه) را فرا گرفت. پس از آن به تحصیل در رشته - (اقتصاد و حقوق عمومی) پرداخت و با نوشتن کتاب (نفث ایران) petrol de perse درجه دکتری در علم اقتصاد





ابن سینا در فرهنگ ما علاوه بر اینکه فیلسوفی بزرگ است، طبیبی برجسته نیز هست. تاثیر او بر طب قدیم و پزشکی جدید، از طریق کتاب عظیم «قانون» صورت گرفت که در قرن شانزدهم میلادی به زبان های لاتین ترجمه شد و تحولی شگرف در طب ایجاد کرد. آنچه می خوانید بخشی دیگر از دیدگاه های طبی ابوعلی سیناست.

چنانچه سردی هوا از حد اعتدال زیاد دور نشده باشد نیروی هضم و کنشهای درونی را تقویت می کند و اشتها را بر می انگیزد. اگر هوا در چنان حد مفرطی سرد باشد که به درون بدن نفوذ کند مرگ را در پی دارد.

در هر حال هوای سرد برای اشخاص تندرست بهتر از هوای گرم است. زبانهای ناشی از هوای سرد عبارتند از: تاثیر بر عصب، انسداد منافذ ریز پوست و فشردن آکنه های استخوان. هوای مرطوب با اکثر مزاج ها مساعد است، به رنگ و پوست زیبایی می دهد و آن را نرم می گرداند؛ منافذ پوست را بازتر می کند و آنها را خالی می گرداند. لیکن بر اثر گشادگی منافذ پوست بیم تعفن نیز می رود. هوای خشک از هر نظر برعکس هوای مرطوب است.

#### عوارض ناشی از باد

در فصل تغییرات هوا درباره بادهای نیز توضیحاتی داده ایم. لیکن در اینجا باز مطالبی در این زمینه از زوایای دیگری بیان می کنیم و گفتار جامعی خواهیم داشت. اینک درباره هر نوع بادی بحث جداگانه ای را شروع می کنیم:

**باد شمالی:** باد شمالی، تن را نیرو می بخشد، جریان مایعات سطح بدن را مانع می شود، منافذ ریز پوست را مسدود می کند، هضم را تقویت می نماید، شکم را بند می آورد، بول را راه می اندازد و هوای گند وبائی را اصلاح می کند. اگر باد شمال بعد از ورزش باد جنوب آید، آنچه را که باد جنوب سیلان داده است به سوی درون می فشارد و اتفاق می افتد که این مواد باز به خارج راه یابند. به همین علت است که غالباً بعد از ورزش باد جنوب و پیدایش باد شمال در تعاقب آن، مواد از سر سرازیر می شوند و بیماریهای سینه رخ می دهد، بیماریهای شمالی نمایان می گردد، اعصاب آزار می بینند و از آسیب دیدگی آنها مثانه و زهدان بیمار می شوند و دشواری دفع ادرار، سرفه، درد دنده، پهلوی درد، سینه درد و لرزش بروز می کند.

**باد جنوب:** نیروها بر اثر بادهای جنوب سست می گردند، منافذ پوست گشاده می گردند، خلطها برانگیخته می شوند و بیرون می آیند و حواس سنگین می گردند. باد جنوب قرحه را تباهی و بیماریها را وخامت می بخشد، تن را لاغر می کند، قرحه ها و نفرس را به خارش سوزناک مبتلا می سازد، سر درد به بار می آورد، خواب آور است و تبهای عفونی همراه می آورد ولی گلو را زبر نمی نماید.

**باد مشرق:** باد شرقی اگر در پایان شب و آغاز بامداد وزیدن گیرد لطیف تر و خشک تر از هوای وزشی است که از خورشید اعتدال یافته، لطیف گشته و رطوبت آن کاهش یافته است. اگر این باد در پایان روز و آغاز شب بوزد حالت آن برعکس است. بطور کلی باد شرقی از باد غربی بهتر است.

**باد مغرب:** باد غربی چنانچه در پایان شب و آغاز روز بوزد از هوایی آمده است که خورشید بر آن تاثیر نگذاشته است. چنین بادی متراکم و

غلظت است. اگر این باد در پایان روز و آغاز شب وزید باید نتیجه عکس را گرفت.

#### محیط زیست

در مبحث مربوط به دگرگونیهای هوا سخنی چند از محل زیست به میان آمد. اینک برآنیم گفتاری مختصر ولی باسلوبی دیگر در این زمینه داشته باشیم. تکرار مطلب به یقین زیانی در بر نخواهد داشت. قبلاً دانستی که عواملی مانند بلندی و پستی

مناطق همواره به رمد (درد چشم) و پژمردگی و رنگ پریدگی دچار می شوند.

**سنگلاخ های لخت:** هوای سرزمین های سنگلاخی در تابستان بسیار گرم و در زمستان سرد است. مردم این مناطق دارای تن سخت و در هم فشرده و پرموی و قوی بنیه و مفاصل محکم هستند. این مردم اغلب خشک مزاج، کم خواب، بد اخلاق، خودخواه و لجباز می باشند؛ در جنگ ها دلیرند؛ در یاد گرفتن حرفه ها زیرک و

## از میراث طب سینوی / ۵

# سلامت و جغرافیا



محل زیست، مجاورت محل زیست با بلندی و پستیها و کوهساران، وجود درختان و کانها و گورستانها، مواد بد بود و نظیر آن، افزودنی و کاستی آب و کیفیت خاک که آزاد و یا شوره و یا خاک سیاه است و یا کانی است - جملگی تأثیراتی بر حالات بدن دارند. همچنین یادگرفتی چگونه می توان مزاج هوا را از موقع زمین و از خاک و از بخاری که به آن نزدیک است و از کوههای پیرامون آن و از بادهائی که در منطقه می وزد تشخیص داد.

بطور کلی می گوئیم، هوائی که بعد از غروب خورشید، زود سرد گردد و هنگام طلوع خورشید زود گرم شود هوائی لطیف و در حالت عکس، مخالف آن. بدترین هوا آن است که دل را فسرده کند و نفس را تنگی بخشد. اینک مناطق سکونت را بررسی می کنیم:

مناطق گرمسیر: مردم مناطق گرمسیر سیاه چرده و مو فلغلی هستند و نیروی هضم کافی ندارند. اگر در منطقه ی گرمسیر تحلیل (تبخیر) بیش از حد رخ دهد و رطوبت کاهش یابد، مردم آن سرزمین زود پیر می شوند، همچنانکه در حبشه می بینیم که مردم در سی سالگی پیر می شوند و چون روح آنها بسیار تحلیل رفته است همه بزدل و ترسو هستند. مردم گرمسیری بیشتر از سایر مردم نرمش تن دارند.

**مناطق سردسیر:** ساکنان مناطق سردسیر از مردم مناطق گرمسیر نیرومندتر، پردل تر و خوش هضم ترند، چنانکه دریافتی. اگر منطقه ی سردسیر مرطوب باشد مردمانش چاق و تر و تازه و دارای رگ های پوشیده هستند.

**مناطق مرطوب:** ساکنان سرزمینهای رطوبتی زیباروی و نرم پوست هستند و در ورزش زود خسته می شوند. در این مناطق نه تابستان بسیار گرم است و نه زمستان زیاد سرد. در مناطق مرطوب تب مزمن، اسهال، خونریزی بر اثر حیض و بواسیر، بیماری بواسیر و قرحه و عفونت و قلاع و بیماری صرع زیاد است.

**مناطق خشک:** مردم این سرزمین ها خشک مزاج و خشکیده پوست و واجد پوست ترک دار و خشک مغز می باشند و حالات آنها کاملاً برعکس حالات مردم مناطق مرطوب و دارای تابستان گرم و زمستان سرد است.

**بلندیها:** مردمان سرزمین های مرتفع تندرست، نیرومند، چست و چابک و دارای عمر زیاد هستند.

**پستی ها:** آب در سرزمینهای پست خنک نیست به ویژه اگر راکد باشد. آبهای این مناطق یا آبهای مسیل ها است و یا در آنها خزه زندگی می کنند و چون هوا در این سرزمین ها بد است، آنها نیز به تبعیت از آن بد می شوند. مردمان چنین

انسانی هایی هستند تند مزاج. **کوهساران بر فکیر:** هوای کوهساران تازمانی که برف پایدار است بادهای مساعد و خنک دارد. وقتی برف ها آب شدند و کوهستان مانع باد باشد گرما هجوم می آورد. مردم کوهساران مانند مردمان سایر سرزمین های سرد هستند و زیستگاه خوب دارند.

**کرانه های دریا:** در کرانه های دریا گرما و سرما معتدل هستند، زیرا رطوبت در آنجا تاثیر پذیر نیست و وارد را در خود می پذیرد. بدیهی است که رطوبت در آنجا بیشتر از رطوبت خشکی است. اگر محل زیست شمالی و نزدیک دریا واقع باشد و سرزمین آن پست باشد مطلوب و چنانچه جنوبی و گرم باشد نامطلوب است.

**سرزمین های شمالی:** سرزمین های شمالی همانند سرزمین های سرد به شمار می آیند که در آنها در فصول سرد بیماریهای احتقان و عصر (فشردگی) بروز می کنند و خلطها در اندرون جمع می شوند. مردمان شمالی خوش هضم و دراز عمر هستند و بر اثر پر خوری و کمی تحلیل رفتن رگهایشان می ترکد و به خونریزی بینی مبتلا می گردند. از آنجا که این مردم بنیه در سست و حساسی دارند و گرمای غریزی آنها زیاد است به بیماری صرع دچار نمی شوند و اگر احیاناً کسی به این بیماری گرفتار آید، بیماری بسیار شدید است زیرا چنین صرعی حتماً عامل بسیار قوی باید داشته باشد.

مردم این سرزمین ها چون خون بسیار پسندیده و تن نیرومند دارند و هیچ عامل خارجی نیست که تن آنها را سستی و نرمی دهد، زخم شان به زودی التیام می پذیرد و چون گرمی قلبشان بسیار شدید است روش ددان را دارند.

زن های شمالی از جریان خون کاملاً پاک نمی شوند زیرا مجرا تنگ است و موادی در آنها نیست که سبب سیلان و سست گردانیدن شود. از این روی خون آنها چنانکه باید روان نیست و گویند به همین سبب نازائی آنها ناشی از پاک نشدن زهدان است. چنین حالتی در مناطق ترک نشین به چشم نمی خورد. ولی من گویم، گرمای غریزی زن های شمالی، کاهش مواد سیلان بخش و سست کننده بیرونی را جبران می کند. گفته اند که زن های شمالی کمتر سقط جنین می کنند. این خود دلیلی است صحیح بر این که نیروی ساکنان این مناطق زیاد است. زن های شمالی عسر ولادت (زحمت زایمان) دارند، زیرا اندام مولود در آنها بر هم آمده و بند آمده است. این زن ها غالباً بر اثر سرما سقط جنین می کنند؛ شیر آنها کم و بر اثر سرما غلیظ است، زیرا سرما ششیر را از جریان و سیلان متوقف می سازد.

در چنین سرزمینی، مردمان و به ویژه ناتوانان هم مانند زنان به بیماری کزاز و سل دچار می شوند، به خصوص در زمانی که وضع حمل می کنند و بر اثر زحمت زایمان فشار زیادی بر خود وارد می کنند، رگهایی که در اطراف سینه است و یا بخش هایی از عصب و رشته های عصبی آنها می ترکد. اگر ترکیدن مربوط به رگ های اطراف سینه باشد آن زن به سل دچار می شود و اگر عصب و رشته پهلوی بترکند به کزاز مبتلا می گردند. ابتلا در هر دو حالت شدید است. همچنین زمانی که وضع حمل می کنند چون بسیار دشوار می زایند ممکن است مراقشان ترک بردارد.

خردسالان در مناطق شمالی به ریزش ادرار مبتلا می گردند و چون بزرگ شدند خوب می شوند. دخترها در کوچکی به آب شکم و زهدان مبتلا می شوند و در بزرگی شفا می یابند. مردمان شمال به ندرت دچار چشم درد (رمد) می شوند و اگر مبتلا شوند، عارضه مزبور بسیار شدید است.

**مساکن رو به مشرق:** شهری که روبروی مشرق است، چون خورشید بامدادان بر آن می تابد و هوا را صاف می گرداند و بعد از دور شدن خورشید بادهای لطیف که از طرف خورشید می آیند بر آن می وزد، دارای هوای سالم و مساعد است.

**مساکن رو به مغرب:** خورشید به شهری که رو به مغرب است و از سمت مشرق پنهان شده است دیر می تابد و به زودی رخ برمی تابد و دور می شود، در نتیجه نه هوایش را لطیف می کند و نه آن را می خشکاند و هوا در آن مرطوب و غلیظ باقی می ماند. اگر خورشید بادی را به چنین شهری گسیل دارد غربی است و در شب می وزد و کیفیت همان سرزمین های ترمزاج و واجد گرمای معتدل و غلیظ را دارد. اگر هوا آنقدر غلیظ نبود به هوای بهار میمانست. ولی مساکن رو به مشرق از مساکن رو به مغرب سالم ترند. نباید به کسانی که به الحاق می گویند که هوای این مناطق کاملاً مثل بهار است گوش داد. فقط می توان گفت که هوای چنین مناطقی در مقایسه با دیگر سرزمین ها بسیار خوب است. عیب بزرگش این است که تابش خورشید کمتر به آن می رسد و چون خورشید در نقطه بلندی بر این مناطق می تابد گرمی بایسته را نمی بخشد و گرمای خورشید یک دفعه بعد از سرمای شب آنها می رسد. مردم این منطقه به لحاظ ترمزاج بودن هوا، صدایشان می گیرد و به خصوص در پاییز بر اثر سرما خوردگی به صدا گرفتگی دچار می شوند.

ادامه دارد



## فرهنگی

**چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۴** – سال هشتادونهم-شماره ۲۶۱۵۵

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان/ ۲۲۰ **اخبارات**

روبرونی پژوهشگر با انتظارات قدرت، هنگامیکه نتیجه پژوهش وی در مقابل منافع قدرت قرار گیرد، این مشکل موجب می‌گردد که پژوهشگر نتیجه کار خود را با آنچه‌قدرت‌منان انتظار دارند که به عنوان حقیقت بیان گردد. همساز کند. با این رویکرد، کارشناسانی صاحب‌نظر و مرجع گشته،به‌رسمیت شناخته‌می‌شوند. اما از آنجایی که حاصل کار این پژوهشگران مورد توجه عموم نیز می‌باشد لذا هماهنگی با قضاوت عموم و تأییدی که تحقیقات آنها در افکار عمومی می‌یابد در ناخودآگاه پژوهشگر نهفته و موثر است. اختلافاتی که در این میان در حوصله پژوهش‌های دانشمندان در نظام‌های مختلف به چشم می‌خورد شاهدیست بر این مدعا.البته این بدان جهت صورت نمی‌گیرد که دانشمند پیشاپیش حساسگری کرده باشد،بلکه به‌جهت وابستگی و همبستگی با نظامیست که در آن زندگی می‌کند. هر که وسائل فنی خبر گزاری را در اختیار داشته باشد می‌تواند گذشته را به کار برد؟ زیرا یافتن مجدد آنچه که در آن اندیشه شده است و آنچه که هنوز شناخته نشده است، راه یافتن از آنجایی که ما بر این باوریم که در عصر روشنگری زندگی می‌کنیم، این امر به یک قدرت شیطانی تبدیل می‌گردد. حال وظیفه دانشمند در این است که علی‌رغم این جوسازی و تأثیری که بر افکار عمومی از راه اخبار گذاشته می‌شود، حقایقی را که دریافته است به نسل نوجوان تحویل دهد و نسیمی از آزادی را به مشامشان برساند.

البته اصل سخن گادامر طولانی‌تر بوده و مطالعهٔ آن به حوصلهٔ بیشتر نیازمند است. اشخاصی که بخواهند به اصل گفتار این بزرگ قرن بیستم در مکتب هرمنوتیک مراجعه نمایند می‌توانند به ترجمه متن اصلی توجه نمایند

ایجاد تفاهم برای نوع کار علوم انسانی در میان مردم کار ساده‌ای نیست. نمایان ساختن آنچه در علوم انسانی حقیقت تلقی می‌گردد و نتیجه‌گیری‌هایی که به دست می‌آیند نیز کار سختی است. با اینحال در رشته‌هایی از علوم انسانی که در زمینه‌های ملموس می‌باشند این کار ساده‌تر است.

اگر قرار باشد یک متخصص اقتصاد ملی در زمینه اهمیت کار خود برای رفاه مردم سخن گوید، حصول تفاهم برایش کار ساده ایست. همچنین برای یک هنرشناس نیز کار ساده‌ایست اگر قرار باشد یک اثر هنری را به مردم عرضه نماید. حتی اگر آن اثر، شیئی از عهد عتیق باشد. زیرا یک اثر قدیمی نیز می‌تواند برای عموم قابل توجه باشد. اما کار یک فیلسوف این است که به‌جای عرضه نمودن نتایج قابل دیدن یا قانع‌کننده برای عموم، در محصول کار علوم انسانی اندیشه نماید.

۱– مفهوم مدرن علوم، از تحولات طبیعی در قرن ۱۷ میلادی تأثیر پذیرفته است. به‌شکرة ان‌علوم بشر رفته رفته قادر گشته است بر طبیعت چیره گردد و از دانش مربوط به انسان نیز انتظار می‌رود قادر گردد یک چنین



## مردی که فصیح بود

داستان‌های او ویژگی چرخه‌واری دارند و از فضاها و شخصیت‌های یکسان وحدتی ساختاری می‌یابند. شخصیت‌های متعددی در چند داستان ایفای نقش می‌کنند، چهره‌ای که در داستانی نقشی فرعی داشته است در داستان بعدی به جلو صحنه می‌آید. شخصیت‌ها و بن‌مایه‌های عشق، مرگ، عرفان، ستایش از اصول دین زردشت، پیکار جهل و کین با عشق و نیکی، و همدردی با دگراندیشان درگیر با اقتدار در طول تاریخ ایران، با تفاوت‌هایی، در داستانهای مختلف تکرار می‌شوند. با برخی الگوها و خصوصیات در رمانهای مختلف مواجه می‌شویم، مثل بیمارداری و غم‌خواری جلال، یا

برآورده نمی‌شود، بلکه مشکوک نیز می‌گردد. محتوای تاریخی که علوم انسانی در درون خود پرورش می‌دهد، موجب عادی گشتن تغییر معیارها و شک به معیارهای ما می‌گردند. نیچه در دومین رویکرد غیر عادی خود، نه

از کتاب «روش و حقیقت»،اثر گادامر

# مسئولیت دانشمند



۳

فقط بر مفید بودن آگهی تاریخی واقف بود، بلکه بر آثار سوء دانش تاریخ بر زندگی انسان‌ها نیز آگاهی داشت. نگرش تاریخ گرایانه و بذل توجه در کلیه امور به شرایط تاریخی موجب‌ است از بین رفتن فایده عملی تحقیقات تاریخی می‌گردد. هنر استدراک ظرفی که در این نگرش نهفته است موجب تضعیف توان ارزیابی در زندگی عادی که خود مبنای اخلاق در زندگی انسان است، می‌گردد. دقتی که در روش شناخت مربوطه وجود دارد موجب نسبیت‌گرایی گشته،به‌بیهودگی می‌انجامد. اما آگاهی برمشروط‌بودن شناخت‌نیروهای تاریخی و اجتماعی که زمان حصال را به حرکت در می‌آورند فقط موجب تضعیف باور ما به شناخت نیست. بلکه بی‌دفاعی شناخت‌ما را نسبت به توانمندی گرایش دوران را نیز نشان می‌دهد. علوم انسانی در خدمت گرایشات زمانه قرار گرفته، متناسب با میزان زور این گرایشات، شناخت‌های حاصله به‌لحاظ اجتماعی، سیاسی، مذهبی و غیره ارزیابی می‌گردند. بدین گونه فشاری که قدرت براندیشه تحمیل می‌نماید تقویت می‌گردد. علوم انسانی در قبال هر گونه حاکمیت وحشت، ضعیف‌تر از علوم طبیعی می‌باشند، زیرا علوم انسانی فاقد هر گونه معیاری هستند که توسط آنها با اطمینان بتوانند درستی و اصالت



می‌نوشت: اغلب آنها را به یک شکل آغاز می‌کرد و با تکرار ماجراها بر تعلیق روایت می‌افزود و هول و ولایی دم‌افزون پدید می‌آورد. او معمولاً یک متن ادبی مشهور را، مانند آستری، زیر لایهٔ ماجراهای رمان خود می‌دوخت تا به درونمایهٔ کلی رمان اشاره کند، مثل «نصورت فرجام» در رمان زمستان ۶۲، به جای کسی بعمرند تا عشق خود به زندگی و زیبایی را نشان دهند. فصیح داستانهای خود را به روال مألوف رئالیستی

را از آنچه در خفا مطلوب بوده و به نحو گفته می‌شود، تشخیص دهند. این است که حداقل‌های مشترکی که آنها با سایر علوم دارند در معرض خطر می‌باشند.

۴

آدمی باید فقط درست بیاندیشد. مرجعیت خیره به معنی اشراف بودن قدرتی که خواهان اطاعت کورکورانه باشد و اندیشیدن را ممنوع سازد نیست. حقیقت وجود مرجعیت بر این اساس قرار دارد که این خلاف خرد نبوده و درست لازمی خردمندی می‌تواند باشد که آگاهی دیگری را که بر آگاهی خویشن مشرف باشد، پذیرفت. پیروی از مرجع بدین معنی که رأی دیگری شناخت می‌باشند که انتظار حصولشان از علوم انسانی بصیرت باشند. هر جوانی که گام به میدان علوم انسانی می‌گذارد، این موضوع را خود تجربه می‌کند. من خود به یاد دارم که زمانی که تازه کار بودم با دانشمند مجربی در یک مورد علمی که فکر می‌کردم خوب آگاهی دارم جدال می‌کردم. آنگاه او به من درسی دارد که در مورد آن چیزی نمی‌دانستم. با تلخ‌کمی از او پرسیدم: این را شما از کجا می‌دانید؟ پاسخ او چنین بود: هر گاه شما به همین سنی که من دارم برسید، شما نیز این را می‌دانید.

و این پاسخ درستی بود. اما کدام آموزگار علوم طبیعی و کدام دانش آموزی می‌تواند چنین سخنی را بعنوان پاسخ بپرسد؟ ما غالباً نمی‌دانیم که چه گوئیم، که چرا این یا آن گمان فلسفی یا تاریخی که یک تازه کار مطرح می‌سازد امکان‌پذیر نیست و این با بذل توجه و مشغولیت خستگی‌ناپذیر با مور، حاصل می‌گردد و قابل آموزش و نشان دادن هم نیست. با اینحال در یک چنین وضعیت آموزشی، بدون استثناء این قضاوت صحت دارد که حق با آموزگار مجرب است و شخص تازه کار حق ندارد. لذا در رابطه با اینگونه شرایط، در رابطه با درک حقیقت می‌توان گفت که ما برای پژوهش، هیچ معیار کاملاً قابل اطمینانی در اختیار نداریم که بتوانیم با این درست و اصیل را از ادعای پوچ تشخیص دهیم و لذا خودمان دچار شک می‌شویم که آنچه را که می‌گوئیم واقعاً حقیقت دارد یا نه.

۲– به روایت گوش سپردن و بر روایت تکیه نمودن، ظاهراً این راهی است به حقیقت که در علوم انسانی می‌توان یافت. تمامی انتقادات نیز که ما در مقام تاریخدان بدانها می‌رسیم در نهایت در خدمت این است که به روایتی دست یابیم که بتوانیم بر آن تکیه نماییم. بنابر این مشروط بود(به شرایط ناظر – توضیح مترجم) موجب تضعیف شسناخت تاریخی نبوده، بلکه خود بخشی از حقیقت است و اگر که نمی‌خواهیم که آن بر ما مسلط گردد، باید آن را درنظر داشته باشیم و این باید مصداق علمی بودن باشد که مفهوم حقیقت منفک از ناظر را متلاشی سازیم و این درست نشان پایان‌پذیری ماست که توجه بدان ما را از دچار توهم گشتن می‌تواند نجات دهد. بدین قرا، باور به روش تاریخی عینی‌گرا، خود جز توهم نیست. اما آنچه جای آن را می‌گیرد نسبی‌گرایی گنگ نیز نمی‌باشد. زیرا این نه حاصل

تصادف است و نه حاصل اراده‌ی استبدادی، که ما، به گونه‌ای که وجود داریم، هستیم و آنچه را از گذشته‌ها به ماریسیده، می‌شویم.

آنچه که ما به‌لحاظ تاریخی می‌شناسیم، در نهایت، خود ما هستیم. شناخت در علوم انسانی همواره به گونه‌ای خودشناسی است. در هیچ کجا گمراهی و غافل شدن به میزانی صورت نمی‌گیرد که در خودشناسی و در هیچ کجا نیز تأثیر آن به اندازه‌ای نیست که در خودشناسی اثر دارد. از سوی دیگر فقط چنین نیست که در علوم انسانی با توجه به روایات تاریخی، خودشناسی را به دست می‌آوریم. بلکه یک چیز دیگر نیز در آن هست و آن اینکه برای ما انگیزه‌ای گردد که ما از خودمان فراتر رویم. لذا نباید تسلیم ناخوшاید بودن‌کوشش در پژوهش نسبت به علائق و منافع خود گردیم و با پشتکار، آنجا که خلاف میل خود ماست، در خودشناسی بکوشیم تا قادر به دست‌یابی به کرانه‌های تازه‌ای گردیم.

دو زمینه: یکی ذهنی بودن شسناخت و دیگری کوشش در جهت خودشناسی ناشی از نگرستن به تاریخ با توجه به منافع و علائق خویش.

اما اندیشیدن در دو زمینه‌ی فوق دارای نتیجه مستقیم نیز هست. هر که خواهان پیشرفت علوم انسانی است فقط در مواردی نادر می‌تواند بدان کمک نماید. کمک به کسانی که علی‌رغم همه‌ی فقدان اطمینانی که در این زمینه‌ها هست و معیارهایی که کارشان را غیرقابل کنترل می‌کنند، در زمینه‌هایی پژوهش می‌کنند که فقدان انگیزه، حمایت از آنها را ضروری و ما را با وظایف سختی مواجه ساخته است، و هیچ ملایریت رسمی قادر به شناخت جدید و مثمر بودن آن نیست. زیرا چشمان ما به راهی که در پیش داریم دوخته است.

۳– تا اینجا بدین پرسش می‌توان رسید که چرا وضع علوم انسانی در عصر توده‌ها اینچنین دشوار است، در جامعه‌ای که به شدت سازمان یافته بوده و هر یک از دستجات اجتماعی به تناسب منفعی که دارد و متناسب با نیروی اقتصادی و اجتماعی که پشتیبان آن است مقاصد خویش را به پیش می‌رانند. آنها پژوهش علمی را در این رابطه که به چه میزان به سود یا زیان نهاسات ارزیابی می‌کنند. لذا هر پژوهش در معرض محدودیت آزادی عمل قسار دارد. این مطلب را به ویژه پژوهشگران علوم طبیعی بخوبی می‌دانند. زیرا در صورتیکه حاصل کار آنها با منافع قدرتمندان در تعارض افتد، با مشکلاتی مواجه می‌گردند. فشار منافع اقتصادی و اجتماعی باریست بر گردی علم.

اما در علوم انسانی فشار مزبور به گونه‌ای از درون آنها عمل می‌کند. علوم مزبور در معرض این خطر قرار دارند که آنچه را که توقع این قدرت‌ها باشد به مثابه حقیقت بنمایانند و بدین خاطر که کار آنها تا حدی با عدم اطمینان آمیخته است، تأیید دیگران برایشان بسیار دارای اهمیت است.

دردناک جوان متخصصی می‌پردازد که برای خدمت به کشورش از آمریکا آمده است. «ارزش داستان در توانایی فصیح است برای انتقال تأثیرات خود از زندگی مردم خوزستان به خواننده در دورهٔ معینی از جنگ»

(پاراشاطر، ص ۴۷۸). فصیح، برای نوشتن رمانهایی چون داستانهای جاوید و فرار فروهر، زحمت تاریخ هفت سر دربارهٔ «بین مزدیستانی گمشدهٔ آریاها» (فصیح)، «گفتگو با اسماعیل فصیح»، کلک، ص ۲۲۲)، را بر خود هموار می‌کند. زمانه و شعر حافظ لایهٔ زیرین رمان عرفانی پناه بر حافظ را می‌سازد. فصیح به آثار دیگری که پس از این رمان منتشر می‌کند نیز، با توسل به فضاهای تاریخی و شخصیتهای اساطیری، رنگی تمثیلی می‌زند. مثلاً در رمان طشت خون، که وقایع آن در تهران عهد ناصرالدین شاه می‌گذرد، به تقابل هنر با جهل و کین سلهای جنگ و جاری توصیفی مجوآمیز از بیبودگی زندگی روشنفکران ایرانی مهاجر است. در زمستان ۶۲، از رمانهای برجستهٔ پس از انقلاب، نویسنده ضمن توصیف منازری دلخراش و مهیوت‌کننده از فضای شهر جنگ زدهٔ اهواز، به سرنوشت و عشق

پاپین

## آینه

ترجمه: حمید بهشتی

۱

**چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۴** – سال هشتادونهم-شماره ۲۶۱۵۵

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان/ ۲۲۰ **اخبارات**

محمد خوادسالمنی پاریزی

کشف

**بایادکترباستانی پاریزی ۷–**

## کوچه هفت پیچ

نیز گفتگو از شن‌زارهای بیابانهای مخوف در منطقه کویر مرکزی ایران و حاشیه آن و مخفی شدن ثلث لشکریان اسکندر مقدونی در ۳۲۵ سال قبل از میلاد حضرت مسیح در این ریزگراها و ایجاد ساخت میل‌های نشانه از حیث جلوگریز از فریب کاروانها و سراب و طوفانهای کویر – و دست یافتن به مسیر اصلی، کرده‌اند.



زنده یاد باستانی پاریزی

شن بود و باد بود و قافله بود و غبار بود
آن سوی دشت حادثه چشم انتظار بود<sup>۵۵</sup>
و در پایان با عنوان اینکه «البته کانال سسوزن و قطب‌نما میخ‌های بزرگ تابوت راه‌برشم بوده ولی تیر خلاص را اه هوایی و هوپلیما بود. که بر این پدیده تاریخی عالم شکرید کرد.»<sup>۵۶</sup>
و رقیب دیگر این راه، که راه زیرزمینی بود. که ایجاد اشعاب یک لوله سرتاسری از سبیری تا حوالی دروازه‌های راه‌برشم که از این لوله روزانه میلیون‌ها مترمکعب گاز به سرزمین اروپاییان رسانیده می‌شود و این (خطی و خط لوله‌ای و راهی که کم‌کم افسانه راه‌برشم را فراموش می‌سازد و در واقع ایرشیم دودی سبیری جانشینی ایرشیم در چین ساخته این دیگر در واقع اژدهای هفت سری گذشته، که «چقدر این دره من سبز بود». «را به جای خواهد گذاشت. گرچه به قول استاد» دود این کارخانه کم که به چشم مردم و طبیعت پاریز خواهد رفت، چنانکه کم‌اکنون درخت‌های دهنه محمد سلیمانی، که نزدیک آن‌جاست – شروع به خشک شدن کرده‌اند و «گرد» آن – که معدن شیرینی و حلاوت بود، دود هوا شد ولی البته این نتیجه هم شد که خیلی از پاریزی‌ها هم ماشین رخت‌شویی به دست آوردند، و هم پیکحال فریزر، بگذریم از اینکه در همان فریزر به جای شلغم حاصله از همین هنگو و ده ششبرک را کره هلندی نگهداری می‌کنند» این مقدمه نهایتاً بر همان مبنای غریزه ذاتی بشر که نفس می‌باشد و در واقع اژدهای هفت سر معنویت آدمی است که ابناء بشر را بکام خود می‌کشد. ختم می‌گردد.

آدمی خواهی، نخواهی، اسیر بنده نفس است. در کش و قوس مبارزه با این نفس تا رسیدن به نفس مطمئن که مبنای، رسیسیدن به تعالی است و چگونه باید مبارزه کند جای بحث و توجه است و در تمامی لحظاتی این مبارزه مصداق بارز شعر زیر است.
هست – نفس شوم تو چو من اژدهای خردم سر
جان تو با اژدهای هفت سر در شش در است<sup>۵۷</sup>
انسان در مسیر زندگی دیگران را می‌تواند فریب دهد. ولی آیا خود را نیز می‌تواند فریب دهد چشم در چشم دیگران و ادعای راستی داشتن خود را چگونه می‌تواند توجیه کند؟
رازات همه دارای فلسک می‌دانند
کز موی به موی و رگ به رگ می‌داند
گیرم که به زرق خلق را بفسرفتی
با او چه کنی که یک به یک می‌داند<sup>۵۸</sup>
در ادامه مقالات تحقیقی تحریری از کاروان‌هایی که بارهای اطمینان از چین سرزمین اژدهای هفت سر «بقول استاد» که بر پشت قطارهای شتران که صدای زنگوله آنان همراه و همزاد آواز ساربان‌ها از مسیری که بنام و در تفسیر مورخین عنوان «راه ایرشیم» معروف به جاده ایرشیم که قریب هشت هزار کیلومتر بوده است (تذکیر) و طی طریق از شمالی‌ترین نقطه ایران، طوس، دامغان، بسوی مبدان و انشعابی‌ان بر این راه از ناحیه استاد به نام راه فلفل و راه زعفران و بیان مطلب در خصوص اهمیت ایریشیم در تاریخ صدر اسلام – عصر قرون وسطی و خصوصاً در زمان حکومت صفوانان و نیز در نحوه نگهداری و تأمین امنیت کاروانها و استراحت آنان در کاروانسراهای که در مسیر این کوچه هفت پیچ چاپ هفتم ۱۳۹۱ نشر علم ص ۳۶– ۶۰/ ۶۰– ۶۴ ص ۶۰۰

پانویس:

۵۴/ ۵۵۳ اژدهای هفت سر ص ۵۱۳/ ۵۷/ ۵۱۴/ ۵۴/ ۵۷/ ۵۵۳ سعید بیابانکی/ ۵۸/ مهدی نوینی ۵۹/ ۱۴ کوچه هفت پیچ چاپ هفتم ۱۳۹۱ نشر علم ص ۳۶– ۲۷/ ۶۰– ۶۴ ص ۶۰۰
۵۵/ ۵۵۳ اژدهای هفت سر ص ۵۱۳/ ۵۷/ ۵۱۴/ ۵۴/ ۵۷/ ۵۵۳ سعید بیابانکی/ ۵۸/ مهدی نوینی ۵۹/ ۱۴ کوچه هفت پیچ چاپ هفتم ۱۳۹۱ نشر علم ص ۳۶– ۲۷/ ۶۰– ۶۴ ص ۶۰۰
۵۵/ ۵۵۳ اژدهای هفت سر ص ۵۱۳/ ۵۷/ ۵۱۴/ ۵۴/ ۵۷/ ۵۵۳ سعید بیابانکی/ ۵۸/ مهدی نوینی ۵۹/ ۱۴ کوچه هفت پیچ چاپ هفتم ۱۳۹۱ نشر علم ص ۳۶– ۲۷/ ۶۰– ۶۴ ص ۶۰۰

۵۵/ ۵۵۳ اژدهای هفت سر ص ۵۱۳/ ۵۷/ ۵۱۴/ ۵۴/ ۵۷/ ۵۵۳ سعید بیابانکی/ ۵۸/ مهدی نوینی ۵۹/ ۱۴ کوچه هفت پیچ چاپ هفتم ۱۳۹۱ نشر علم ص ۳۶– ۲۷/ ۶۰– ۶۴ ص ۶۰۰



## فرهنگی

**چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۴** – سال هشتادونهم-شماره ۲۶۱۵۵

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان/ ۲۲۰ **اخبارات**

روبرونی پژوهشگر با انتظارات قدرت، هنگامیکه نتیجه پژوهش وی در مقابل منافع قدرت قرار گیرد، این مشکل موجب می‌گردد که پژوهشگر نتیجه کار خود را با آنچه‌قدرت‌منان انتظار دارند که به عنوان حقیقت بیان گردد. همساز کند. با این رویکرد، کارشناسانی صاحب‌نظر و مرجع گشته،به‌رسمیت شناخته‌می‌شوند. اما از آنجایی که حاصل کار این پژوهشگران مورد توجه عموم نیز می‌باشد لذا هماهنگی با قضاوت عموم و تأییدی که تحقیقات آنها در افکار عمومی می‌یابد در ناخودآگاه پژوهشگر نهفته و موثر است. اختلافاتی که در این میان در حوصله پژوهش‌های دانشمندان در نظام‌های مختلف به چشم می‌خورد شاهدیست بر این مدعا.البته این بدان جهت صورت نمی‌گیرد که دانشمند پیشاپیش حساسگری کرده باشد،بلکه به‌جهت وابستگی و همبستگی با نظامیست که در آن زندگی می‌کند. هر که وسائل فنی خبر گزاری را در اختیار داشته باشد می‌تواند گذشته را به کار برد؟ زیرا یافتن مجدد آنچه که در آن اندیشه شده است و آنچه که هنوز شناخته نشده است، راه یافتن از آنجایی که ما بر این باوریم که در عصر روشنگری زندگی می‌کنیم، این امر به یک قدرت شیطانی تبدیل می‌گردد. حال وظیفه دانشمند در این است که علی‌رغم این جوسازی و تأثیری که بر افکار عمومی از راه اخبار گذاشته می‌شود، حقایقی را که دریافته است به نسل نوجوان تحویل دهد و نسیمی از آزادی را به مشامشان برساند.

البته اصل سخن گادامر طولانی‌تر بوده و مطالعهٔ آن به حوصلهٔ بیشتر نیازمند است. اشخاصی که بخواهند به اصل گفتار این بزرگ قرن بیستم در مکتب هرمنوتیک مراجعه نمایند می‌توانند به ترجمه متن اصلی توجه نمایند

ایجاد تفاهم برای نوع کار علوم انسانی در میان مردم کار ساده‌ای نیست. نمایان ساختن آنچه در علوم انسانی حقیقت تلقی می‌گردد و نتیجه‌گیری‌هایی که به دست می‌آیند نیز کار سختی است. با اینحال در رشته‌هایی از علوم انسانی که در زمینه‌های ملموس می‌باشند این کار ساده‌تر است.

اگر قرار باشد یک متخصص اقتصاد ملی در زمینه اهمیت کار خود برای رفاه مردم سخن گوید، حصول تفاهم برایش کار ساده ایست. همچنین برای یک هنرشناس نیز کار ساده‌ایست اگر قرار باشد یک اثر هنری را به مردم عرضه نماید. حتی اگر آن اثر، شیئی از عهد عتیق باشد. زیرا یک اثر قدیمی نیز می‌تواند برای عموم قابل توجه باشد. اما کار یک فیلسوف این است که به‌جای عرضه نمودن نتایج قابل دیدن یا قانع‌کننده برای عموم، در محصول کار علوم انسانی اندیشه نماید.

۱– مفهوم مدرن علوم، از تحولات طبیعی در قرن ۱۷میلادی تأثیر پذیرفته است.به‌شکرة ان‌علوم بشر رفته رفته قادر گشته است بر طبیعت چیره گردد و از دانش مربوط به انسان نیز انتظار می‌رود قادر گردد یک چنین



## مردی که فصیح بود

داستان‌های او ویژگی چرخه‌واری دارند و از فضاها و شخصیت‌های یکسان وحدتی ساختاری می‌یابند. شخصیت‌های متعددی در چند داستان ایفای نقش می‌کنند، چهره‌ای که در داستانی نقشی فرعی داشته است در داستان بعدی به جلو صحنه می‌آید. شخصیت‌ها و بن‌مایه‌های عشق، مرگ، عرفان، ستایش از اصول دین زردشت، پیکار جهل و کین با عشق و نیکی، و همدردی با دگراندیشان درگیر با اقتدار در طول تاریخ ایران، با تفاوت‌هایی، در داستانهای مختلف تکرار می‌شوند. با برخی الگوها و خصوصیات در رمانهای مختلف مواجه می‌شویم، مثل بیمارداری و غم‌خواری جلال، یا

برآورده نمی‌شود، بلکه مشکوک نیز می‌گردد. محتوای تاریخی که علوم انسانی در درون خود پرورش می‌دهد، موجب عادی گشتن تغییر معیارها و شک به معیارهای ما می‌گردند. نیچه در دومین رویکرد غیر عادی خود، نه

از کتاب «روش و حقیقت»،اثر گادامر

# مسئولیت دانشمند



۳

فقط بر مفید بودن آگهی تاریخی واقف بود، بلکه بر آثار سوء دانش تاریخ بر زندگی انسان‌ها نیز آگاهی داشت. نگرش تاریخ گرایانه و بذل توجه در کلیه امور به شرایط تاریخی موجب‌ است از بین رفتن فایده عملی تحقیقات تاریخی می‌گردد. هنر استدراک ظرفی که در این نگرش نهفته است موجب تضعیف توان ارزیابی در زندگی عادی که خود مبنای اخلاق در زندگی انسان است، می‌گردد. وقتی که در روش شناخت مربوطه وجود دارد موجب نسبیت‌گرایی گشته،به‌بیهودگی می‌انجامد. اما آگاهی برمشروط‌بودن شناخت‌نیروهای تاریخی و اجتماعی که زمان حصال را به حرکت در می‌آورند فقط موجب تضعیف باور ما به شناخت نیست. بلکه بی‌دفاعی شناخت‌ما را نسبت به توانمندی گرایش دوران را نیز نشان می‌دهد. علوم انسانی در خدمت گرایشات زمانه قرار گرفته، متناسب با میزان زور این گرایشات، شناخت‌های حاصله به‌لحاظ اجتماعی، سیاسی، مذهبی و غیره ارزیابی می‌گردند. بدین گونه فشاری که قدرت بر اندیشه تحمیل می‌نماید تقویت می‌گردد. علوم انسانی در قبال هر گونه حاکمیت وحشت، ضعیف‌تر از علوم طبیعی می‌باشند، زیرا علوم انسانی فاقد هر گونه معیاری هستند که توسط آنها با اطمینان بتوانند درستی و اصالت

است «خوش قلب و سازگار و فروتن… و محصول خانواده‌ای از طبقهٔ کاسسب و کم‌چیز ولی باهوش و درس‌خوانسده و کتاب دیده و کنج‌کاو» (همان، ص ۲۷۵) که به‌خاطر دیگران درگیر ماجراهایی همچان‌انگیز و خطرناک می‌شود. تمایلی به دگرگون کردن یا اصلاح امور ندارد و رویدها را چنان که هست می‌پذیرد. با

نوعی وارستگی از کار دنیا و خوش‌باشی گاه ختّامی. احساس جلال از بی‌حاصلی کار دنیا و گسستگی عاطفی او برخی از رمان‌ها آلبُر کامو، نویسندهٔ فرانسوی، را به یساد می‌آورد (همان، ص ۴۲۹). فصیح از راوی سرنوشت آدمهایی که جلال به آنها برمی‌خورد، دنیای انسانهایی درگیر بحرانهای اجتماعی را توصیف می‌کند که از وضعیتی مصیبت‌بار به وضعیت مصیبت‌بار دیگری درمی‌غلطند؛ با این حال، برای نشان دادن بیگانگی خود با جهانی معنی‌باخته، می‌پذیرند که، مثل «نصور فرجام» در زمان زمستان ۶۲، به جای کسی بعمرند تا عشق خود به زندگی و زیبایی را نشان دهند. فصیح داستانهای خود را به روال مألوف رئالیستی



می‌نوشت؛ اغلب آنها را به یک شکل آغاز می‌کرد و با تکرار ماجرا بر تعلیق روایت می‌افزود و هول و ولایی دم‌افزون پدید می‌آورد. او معمولاً یک متن ادبی مشهور را، مانند آستری، زیر لایهٔ ماجراهای رمان خود می‌دوخت تا به درونمایهٔ کلی رمان اشاره کند، مثل بیگانگی آلبُر کامو در درد سیاهوش، و چشم به‌راه گودوی ساموئل بکت، مان‌نویس و نمایشنامه‌نویس ایرلندی، در زمستان ۶۲. اما این ارتباط پنهان و اشارتی گاه به

که؛ جرأت داشته باش که به خرد خویش اکتاء نمای. در اینجا باید به عکس آن، به مرجعیت خبر گان توجه نمود.

آدمی باید فقط درست بیاندیشد. مرجعیت خبره به معنی اشراف بودن قدرتی که خواهان اطاعت کورکورانه باشد و اندیشیدن را ممنوع سازد نیست. حقیقت وجود مرجعیت بر این اساس قرار دارد که این خلاف خرد نبوده و درست لازمی خردمندی می‌تواند باشد که آگاهی دیگری را که بر آگاهی خویشن مشرف باشد، پذیرفت. پیروی از مرجع بدین معنی که رأی دیگری شناخت می‌باشند که انتظار حصولشان از علوم انسانی بصیرت باشند. هر جوانی که گام به میدان علوم انسانی می‌گذارد، این موضوع را خود تجربه می‌کند. من خود به یاد دارم که زمانی که تازه کار بودم با دانشمند مجربی در یک مورد علمی که فکر می‌کردم خوب آگاهی دارم جدال می‌کردم. آنگاه او به من درسی دارد که در مورد آن چیزی نمی‌دانستم. با تلخ‌کامی از او پرسیدم: این را شما از کجا می‌دانید؟ پاسخ او چنین بود: هر گاه شما به همین سنی که من دارم برسید، شما نیز این را می‌دانید.

و این پاسخ درستی بود. اما کدام آموزگار علوم طبیعی و کدام دانش آموزی می‌تواند چنین سخنی را بعنوان پاسخ بپرسد؟ ما غالباً نمی‌دانیم که چه گوئیم، که چرا این یا آن گمان فلسفی یا تاریخی که یک تازه کار مطرح می‌سازد امکان‌پذیر نیست و این با بذل توجه و مشغولیت خستگی‌ناپذیر با مور، حاصل می‌گردد و قابل آموزش و نشان دادن هم نیست. با اینحال در یک چنین وضعیت آموزشی، بدون استثناء این قضاوت صحت دارد که حق با آموزگار مجرب است و شخص تازه کار حق ندارد. لذا در رابطه با اینگونه شرایط، در رابطه با درک حقیقت می‌توان گفت که ما برای پژوهش، هیچ معیار کاملاً قابل اطمینانی در اختیار نداریم که بتوانیم با هرمان هلمهّلس رجوع نماید. وی قریب به ۱۰۰ سال پیش درباره تفاوت میان علوم طبیعی و علوم انسانی سخن گفته است، اظهاراتی عادلانه و حکیمانه که بسیار قابل تأمل می‌باشند. او با اینکه نحوه کار علوم انسانی را با روش‌های تحقیقات در علوم طبیعی سنجیده و مطرح ساخت، اما با این‌حال نتیجه‌گیری‌هایی که در این علوم حاصل می‌شوند برای وی رضایتمند نبود. اما وی متوجه بود که به صورتی که علوم انسانی به نتیجه‌گیری درباره حقایق می‌رسند، رضایت بخش نبوده، نیازمند شرایط انسانی دیگری می‌باشند. بدیهی است که تمامی آنچه از حافظه، خیال پروری، رباعیت، ظرافت درک و تجربه جهانی برای اینکه لازم است با دستگاه‌های پژوهش علوم طبیعی تفاوت فاحش دارد. اما به هیچ وجه چنین نیست که آنها وسائلی کار تحقیقاتی نباشند. متنها نه از آنگونه وسایلی که قابل تهیه کردن باشند، بلکه بدین نحو می‌توان بدان‌ها دست یافت که آدمی حاضر باشد با روایات تاریخ بشری خود را مشغول نماید. اینجا دیگر نمی‌توان به شعار عصر روشنگرایی بسنده نمود

تصادف است و نه حاصل اراده‌ی استبدادی، که ما، به گونه‌ای که وجود داریم، هستیم و آنچه را از گذشته‌ها به ماریسیده، می‌شویم.

آنچه که ما به‌لحاظ تاریخی می‌شناسیم، در نهایت، خود ما هستیم. شناخت در علوم انسانی همواره به گونه‌ای خودشناسی است. در هیچ کجا گمراهی و غافل شدن به میزانی صورت نمی‌گیرد که در خودشناسی و در هیچ کجا نیز تأثیر آن به اندازه‌ای نیست که در خودشناسی اثر دارد. از سوی دیگر فقط چنین نیست که در علوم انسانی با توجه به روایات تاریخی، خودشناسی را به دست می‌آوریم. بلکه یک چیز دیگر نیز در آن هست و آن اینکه برای ما انگیزه‌ای گردد که ما از خودمان فراتر رویم. لذا نباید تسلیم ناخوшاید بودن‌کوشش در پژوهش نسبت به علائق و منافع خود گردیم و با پشتکار، آنجا که خلاف میل خود ماست، در خودشناسی بکوشیم تا قادر به دست‌یابی به کرانه‌های تازه‌ای گردیم.

دو زمینه: یکی ذهنی بودن شس‌ساخت و دیگری کوشش در جهت خودشناسی ناشی از نگرستن به تاریخ با توجه به منافع و علائق خویش.

اما اندیش‌بشدن در دو زمینه‌ی فوق دارای نتیجه مستقیم نیز هست. هر که خواهان پیشرفت علوم انسانی است فقط در مواردی نادر می‌تواند بدان کمک نماید. کمک به کسانی که علی‌رغم همه‌ی فقدان اطمینانی که در این زمینه‌ها هست و معیارهایی که کارشان را غیرقابل کنترل می‌کنند، در زمینه‌هایی پژوهش می‌کنند که فقدان انگیزه، حمایت از آنها را ضروری و ما را با وظایف سختی مواجه ساخته است، و هیچ ملایریت رسمی قادر به شناخت جدید و مثمر بودن آن نیست. زیرا چشمان ما به راهی که در پیش داریم دوخته است.

۳– تا اینجا بدین پرسش می‌توان رسید که چرا وضع علوم انسانی در عصر توده‌ها اینچنین دشوار است، در جامعه‌ای که به شدت سازمان یافته بوده و هر یک از دستجات اجتماعی به تناسب منفعی که دارد و متناسب با نیروی اقتصادی و اجتماعی که پشتیبان آن است مقاصد خویش را به پیش می‌رانند. آنها پژوهش علمی را در این رابطه که به چه میزان به سود یا زیان نهاسات ارزیابی می‌کنند. لذا هر پژوهش در معرض محدودیت آزادی عمل قسّار دارد. این مطلب را به ویژه پژوهشگران علوم طبیعی بخوبی می‌دانند. زیرا در صورتیکه حاصل کار آنها با منافع قدرتمندان در تعارض افتد، با مشکلاتی مواجه می‌گردند. فشار منافع اقتصادی و اجتماعی باریست بر گردی علم.

اما در علوم انسانی فشار مزبور به گونه‌ای از درون آنها عمل می‌کند. علوم مزبور در معرض این خطر قرار دارند که آنچه را که توقع این قدرت‌ها باشد به مثابه حقیقت بنمایانند و بدین خاطر که کار آنها تا حدی با عدم اطمینان آمیخته است، تأیید دیگران برایشان بسیار دارای اهمیت است.

دردناک جوان متخصصی می‌پردازد که برای خدمت به کشورش از آمریکا آمده است. «ارزش داستان در توانایی فصیح است برای انتقال تأثیرات خود از زندگی مردم خوزستان به خواننده در دورهٔ معینی از جنگ»

(پاراشاطر، ص ۴۷۸). فصیح، برای نوشتن رمانهایی چون داستانهای جاوید و فرار فروهر، زحمت تاریخ هفت سر دربارهٔ «بین مزدیستای گمشدهٔ آریاها» (فصیح)، «گفتگو با اسماعیل فصیح»، کلک، ص ۲۲۲)، را بر خود هموار می‌کند. زمانه و شعر حافظ لایهٔ زیرین رمان عرفانی پناه بر حافظ را می‌سازد. فصیح به آثار دیگری که پس از این رمان منتشر می‌کند نیز، با توسّل به فضاهای تاریخی و شخصیتهای اساطیری، رنگی تمثیلی می‌زند. مثلاً در رمان طشت خون، که وقایع آن در تهران عهد ناصرالدین شاه می‌گذرد، به تقابل هنر با جهل و کین چیره بر جامعه می‌پردازد. در بازگشت به درخونکند، پیام عرفانی اثر را با تکیه بر اشعار مولانا مطرح می‌کند. لایه رافراخوشت توصیفی از سیر شکل‌گیری انقلاب اسلامی، از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا بهمن ۵۷ است.

پاپین

چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۴ – سال هشتادونهم-شماره ۲۶۱۵۵

ویژه فرهنگ‌تاریخ وتمدن ایران وجهان/ ۲۲۰ **اخبارات**

کشف

**بایاد دکترباستانی‌پاریزی –۷**

## کوچه هفت پیچ

نیز گفتگو از شن‌زارهای بیابانهای مخوف در منطقه کویر مرکزی ایران و حاشیه آن و مخفی شدن ثلث لشکریان اسکندر مقدونی در ۳۲۵ سال قبل از میلاد حضرت مسیح در این ریزگرا‌ها و ایجاد ساخت میل‌های نشانه از حیث جلوگیری از فریب کاروانها درخت که فلزی است بنام مسس را در خود جای داده

ژانید باستانشناسی پاریزی

شن بود و یاد بود و قافله بود و غبار بود
آن سوی دشت حادثه چشم انتظار بود<sup>۵۵</sup>
و در پایان با عنوان اینکه «البته کانال سسوزن و قطب‌نما می‌خای بزرگ تابوت راه‌برشم بوده ولی تیر خلاص را اه هوایی و هوپلیما بود. که بر این پدیده تاریخی عالم شکرید کرد.»<sup>۵۶</sup>
و رقیب دیگر این راه، که راه زیرزمینی بود. که ایجاد اشعاب یک لوله سرتاسری از سبیری تا حوالی دروازه‌های راه‌برشم که از این لوله روزانه میلیون‌ها مترمکعب گاز به سرزمین اروپاییان رسانیده می‌شود و این (خطی و خط لوله‌ای و راهی که کم‌کم افسانه راه‌بریشم را فراموش می‌سازد و در واقع ایریشم دودی سبیری جانشینی ایریشم در چین ساخته این دیگر در واقع اژدهای هفت سری که اژدهای هفت سر قدیم -یعنی راه‌بریشم را بلعیده است.»<sup>۵۷</sup>

زگرد بادیه، از دور گشت معلوم<sup>۵۸</sup>
که رفته‌اند از این راه کاروانسی چند
نماند قیصر و خاقان، کجاست رستم زال
گذاشتند در این خاک استخوانی چند<sup>۵۹</sup>
کوچه هفت پیچ پنجمین هفتی از کتابهای هفتی استاد است. استاد در مقدمه چاپ هفتم، این کتاب در گوشه تصویری از خیابان شانزلهزه پاریس مرقوم داشته‌اند. «که به حمدا.. کوچه هفت پیچ در حیات مؤلف به چاپ هفتم رسید جز اینکه به جای مقدمه یک تصویر نوشتاری از شانزلهزه بگذاریم که در اشغال برهای کشمیری است. به حساب اینکه بیشتر کتاب را صحبت بر در اشغال گرفته شده است»<sup>۶۰</sup>

استاد مقدمه دیگری که در سال ۱۳۸۹ در این کتاب نوشته‌اند. مقدمه را با شعری از نظام وفا آغاز کرده‌اند:

ای شب من، دل، به قول آن عهد شکن
در کوچه انتظار، کردیم وطن<sup>۶۱</sup>
چون مرغ سحر، آیت نوبیسی دریام
شمرنده شدم، من از دل، و دل از من

انتظار استاد در این کوچه انتظار ماندن و شنیدن خبری «زیاری و دیار و دیاری» نیست بلکه انتظاری در جهت تجدید چاپ کتاب و ترویج فرهنگی و ادای دین در به ثمر رساندن، نتیجه عمری است که در کوچه پس کوچه‌های پیچ هفت خ تاریخ گذشته و تا در مسیر تاریخ این زندگی برداشته‌های خود را که به نگارش تبدیل شده است به آیندگان انتقال باید. استاد در پایان مقدمه چاپ اول، ذکر کرده‌اند که: «اینکه آدمی مثل ویل دورانت با یازده جلد تاریخ تمدن عالمش باز هم می‌گوید که «قیمت عمده تاریخ حاش است»

باقی، تعصب» بدین علت است که آدم اگر «اقیانوس العلما» هم باشد نمی‌تواند به کنه قضایا پی برد من خود نیز در این مقام تبحر گفتم‌ام:

یک عمر شدیم محو تاریخ و سیر
و از جمله علل باز یاد گرفتیم خبر<sup>۶۲</sup>
حق بود که علت‌العلل بود و ذکر
باقی همگی عوارض زود گـزـنـر<sup>۶۳</sup>
پانویس:

۵۳۵۳ اژدهای هفت سر ص ۵۱۳/ ص ۵۷/ ص ۵۱۴/ ص ۵۴/ ص ۵۵/ سعید بیابانکی/ ص ۵۸/ مهدی نوینی ۵۹/ ص ۱۴

کوچه هفت پیچ چاپ هفتم ۱۳۹۱ نشر علم ص ۳۶- ص ۲۷/ ص ۶۰- ص ۶۴- ص ۶۰۰





استاد

محمود امیدسالار

## یاده‌ای از علامه قزوینی

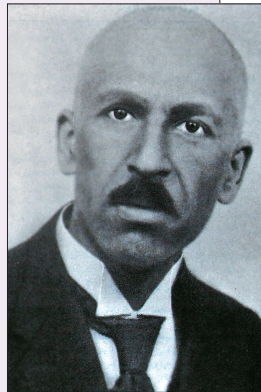
مرحوم قزوینی در پنجم ربیع‌الاول سال ۱۳۲۲ ق، از طریق روسیه و آلمان و هلند، به لندن می‌رود (قزوینی، بیست مقاله؛ ج ۱، ص ۱۳). در این زمان او تقریباً بیست و هفت سال داشته و علوم اسلامی متعارف زمان خود را، از صرف و نحو و ادبیات عرب و عجم، در محضر استادان نامداری که ذکر کردیم فرا گرفته بوده است. بنابراین، هنگامی که از تأثیرپذیری قزوینی از علمای اروپایی و پیروی او از شیوه تحقیق ایشان سخن گفته می‌شود، باید این واقعیت را ملحوظ داشت تا کار به اغراق و زیاده‌گویی نکشد.

زندگی علامه قزوینی در اروپا چهار دوره داشت. دو سال اول آن، که از اوایل ۱۳۲۲ تا ربیع‌الثانی ۱۳۲۴ ق به طول انجامید، در لندن گذشت.

در این دوران او با برخی از مستشرقین بنام اروپایی آشنا شد. یکی از معروف‌ترین آنها آنتونی اشلی بوان (۱۸۵۹-۱۹۳۳ م) متخصص ادبیات عربی و مصحح کتاب نقاض جریر و فرزوق است، که قزوینی تصحیح او را از این کتاب یکی از شاهکارهای تحقیقات شرق‌شناسان اروپایی در آن زمان می‌داند (همان، ج ۱، ص ۱۴).

دیگر کتابدار سابق کتابخانه بریتانیا، الکساندر جورج الیس (۱۸۵۱-۱۹۴۲ م) و کتاب‌شناس نامدار انگلیسی است که قزوینی احاطه او را بر «معرفه الکتب» ستوده است (همان‌جا) و هنری فردریک ایسدروز (۱۸۵۴-۱۹۱۷ م) عربی‌دان انگلیسی و طابع تاریخ‌الوزراء هلال‌بن محسن صابی و ذیل تاریخ دمشق ابن‌قلانسی است. مستشرق دیگر ادوارد براون (۱۸۶۲-۱۹۲۶ م) است که قزوینی علاقه‌بسیار به او داشت. در این دوران امنای اوقاف گیب تصحیح تاریخ جهانگشای جویی را به قزوینی پیشنهاد می‌کنند و او نیز این کار را می‌پذیرد و در ربیع‌الثانی ۱۳۲۴ ق از لندن به پاریس می‌رود تا از نسخه‌های متعدد آن در کتابخانه فرانسه استفاده کند. این اقامت اولیه او را در پایتخت فرانسه باید دوره دوم زندگی اروپایی او دانست.

در زمان این اقامت در پاریس، قزوینی با عده‌ای از رجال و فضلاء ایرانی، که هرکدام به علتی در آن شهر به سر می‌برده‌اند، مانند دهخدا و حاج سید نصرالله اخوی (همان، ج ۱، ص ۱۶) و سردار اسعد بختیاری (تقی‌زاده، زندگانی طوفانی، ص ۳۴۴) رفت و آمد پیدا می‌کند و گذشته از آنها با عده‌ای از مستشرقین اروپایی، مانند هارتویگ درنبرگ (۱۸۴۴-۱۹۰۸ م)، آنتوان میه (۱۸۶۶-۱۹۳۶ م)، کلماں هوار (۱۸۵۴-۱۹۲۶ م)، پل کازانو (۱۸۶۱-۱۹۳۶ م)، گابریل فران (۱۸۶۴-۱۹۳۵ م)، که مدتی مدیریت نشریه معروف ژورنال آزیاتیک را بر عهده داشت، لویی ماسینیون (۱۸۸۳-۱۹۶۲ م)، هانری ماسه (۱۸۸۶-۱۹۶۹ م)، ادگار بلوشه (۱۸۷۰-۱۹۳۷ م)، پل پلیو (۱۸۷۸-۱۹۵۴ م)، متخصص زبانهای چینی و مغولی و تواریخ این اقوام، نیز آشنا می‌شود. ماندن قزوینی در پاریس، بار اول، تا ۲۳ اکتبر ۱۹۱۵ م / ذوالحجه ۱۳۳۳ ق طول می‌کشد. چون در این تاریخ، دولت فرانسه نسخه‌های مهم کتابخانه‌ها و برخی دیگر از آثار مهم عتیقه را، به علت بروز جنگ اول جهانی (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م)، از موزه‌های پاریس به جایگاه‌های محفوظی بیرون از دسترس او منتقل کرده بوده است (معین، ص ۴۰)، او در ۲۷ اکتبر ۱۹۱۵ م / ۱۸ ذوالحجه ۱۳۳۳ ق، به اتفاق حیدرخان عمواغلی و چندتن دیگر در ملازمت حسینقلی‌خان، که وزیرمختار ایران در



محمود امید سالار

برلن ششده بود، به برلن می‌رود (غنی، یادداشت‌های دکتر قاسم غنی، ص ۲۵۶۸)

قزوینی، به سبب ادامه یافتن جنگ اول، مجبور می‌شود که مدت چهار سال و نیم در برلن بماند و در این مدت دشواریهای بسیاری را تحمل می‌کند و، به گفته خود او،



محمود امید سالار

اگر مساعدتهای تقی‌زاده نمی‌بود، این دشواریها چندین برابر می‌شد (قزوینی، همان، ج ۱، ص ۱۸-۱۷؛ همچنین نک: تقی‌زاده، همان، ص ۱۸۱-۱۸۶). هنگام اقامت در برلن، علاوه بر تقی‌زاده با دیگر ایرانیان فاضل مقیم اروپا، از جمله با ابراهیم پورداوود، محمدعلی تربیت، جمال‌زاده، غنی‌زاده سلماسی، حسین کاظم‌زاده ایرانی‌شهر، معاشر بوده و در جلسات فرهنگی انجمن ادبی و علمی مجله کاوه شرکت می‌کرده است (قزوینی، همان، ج ۱، ص ۱۸-۲۱). در این ایام قزوینی با بعضی از مشاهیر مستشرقین آلمان نیز باب آشنایی گشود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از سیاستیان یک مان (۱۸۶۷-۱۹۱۷ م)، ادوارد زاخاو (۱۸۴۵-۱۹۳۰ م)، اوسکار میتوخ (۱۸۷۶-۱۹۴۲ م)، مارتین هارتمان (۱۸۵۷-۱۹۱۸ م). اما هیچ گاه فرصت آشنایی با بزرگ‌ترین آنها، یعنی تئودور نولدکه (۱۸۳۶-۱۹۳۰ م) برایش دست نداد (همان، ج ۱، ص ۲۳). او تا پایان جنگ جهانی اول در برلن ماند و سپس، به پایمردی محمدعلی فروغی که در آن زمان جزء هیئت ایرانی مجلس صلح به اروپا رفته بود، وسایل بازگشتش به فرانسه مهیا شد (۱۹۲۰ م / ۱۳۳۸ ق؛ همان، ج ۱، ص ۲۶؛ غنی، همان، ص ۲۶۱۰-۲۶۱۳). این آغاز بخش چهارم زندگی او در اروپاست که تا زمان بازگشتش به ایران به طول انجامید. قزوینی در اواخر تابستان سال ۱۳۱۸ ش از پاریس، به علت جنگ و بمباران، بیرون آمد و با خانواده خود به استانبول رفت. بعد از اقامت کوتاهی در استانبول، از طریق خانقین، کرمانشاه، همدان و قزوین به تهران آمد و دوستان قدیم او محمدعلی فروغی، ابوالحسن فروغی، سید نصرالله تقوی، اسمعیل مرآت وزیر معارف وقت، آقا جمال اخوی و قاسم غنی از او در کرج استقبال کردند (غنی، «دیدارها و یادگاریها...» ص ۸۵۳). هنگام اقامت در ایران خانه‌اش سالها محل رفت و آمد فضلا و ادبای ساکن تهران بود که از محضرش استفاده می‌کرده‌اند. سیدفخرالدین شادمان، عباس اقبال آشتیانی، سعید نفیسی، محمد محیط طباطبایی، محمد معین، اسماعیل امیرخیزی، سیدجلال‌الدین محدث‌ارموی، غلامحسین صدیقی، سیدمحمدتقی مدرس‌رضوی، محمد نخجوانی، مرتضی مدرس چهاردهی و احمد مهدوی دامغانی از آن جمله بودند.

قزوینی در اواخر پاییز ۱۳۲۷ ش به شدت بیمار شد و پس از مدتها معالجه و مواظبت‌های پزشکی در بیمارستان، سرانجام در ششم خرداد ۱۳۲۸ ش درگذشت و در حرم حضرت عبدالعظیم در داخل مقبره شیخ ابوالفتح رازی به خاک سپرده شد.

علامه قزوینی، علاوه بر استادی کامل در زبان و ادب فارسی و عربی، بر زبان فرانسه نیز به خوبی یک استاد این زبان تسلط داشت و حتی ریشه لغات این زبان را نیز می‌دانست. با زبانهای آلمانی و انگلیسی در حد استفاده برای مطالعات خویش و همچنین با زبانهای ترکی جغتایی و مغولی قدیم نیز آشنا بود. از نویسندگان فرانسوی به آنتول فرانس (۱۸۴۴-۱۹۲۴ م) بسیار علاقه داشت (غنی، «برگزیده‌ها...» ص ۱۷۰). اما نسبت به فرهنگستان ایران خوشبین نبود و لغت‌تراشی و تبدیل کلمات مانوس و مفهوم را به کلمات مجعول و مهجور شایسته اهل علم نمی‌دانست (اقبال آشتیانی، مجموعه مقالات، ص ۵۲۰).

در دوستی ثابت قدم و صمیمی و وفادار، اما زودرنج، بود. فروزانفر، تقی‌زاده، دهخدا، مرآت، شکوه‌الملک، کلنل وزیر، دکتر میر، دکتر رضانور، حیدرخان عمواغلی، و عده‌ای دیگر را هر کدام به ذیلی بسیار دوست می‌داشت و از این میان برای تقی‌زاده و فروزانفر احترام علمی زیادی قائل بود (غنی، همان، ص ۱۷۴؛ همو، یادداشت‌های دکتر قاسم غنی، ص ۲۵۶۸، ۲۶۲۲-۲۶۲۳).

ادامه دارد

## زندگی پروفیسور پرویز کردوانی

## پیر هنوز جوان



ادامه از صفحه اول  
از ویژگی‌های دکتر کردوانی می‌توان به پرکاری، خوش اخلاقی، خوش قولی، طنز، سفرهای متعدد، خوش محضری و بیان گرم و شیوایی اشاره کرد که در نوع خودش ممتاز و فراموش‌نشدنی است. به همین جهت، برنامه‌های تلویزیونی استاد، جزو معدود برنامه‌هایی است که سالها دوام داشته و پیوسته مورد استقبال بینندگان و طیف‌های مختلف قرار گرفته است.

### مردخاطرات

حافظه قوی و بیان رسا، این امکان را به دکتر کردوانی داده است که گفتارهایش شنیدنی باشد و سخنش در زمینه‌های مختلف سیر کند. او در بیان خاطرات دور و دراز و بسیار طولانی استادی بی نظیر است و در بین استادها کسی را نمی‌توان یافت که به زیبایی از عهده بیان خاطراتی بی پایان برآید. شاید اگر وارد وادی تاریخ و تاریخ‌نگاری می‌شد، رقیبی جدی و شکست‌ناپذیر برای مرحوم باستانی پاریزی می‌شد هرچند که می‌دانیم باستانی پاریزی به او و همسرش خانم فریده گلبو به دیده احترام می‌نگریست و جالب است که در چندین موضع از کتابهایش از این زوج فرهیخته به خوبی یاد کرده است.

وقتی از پرفیسور پرویز کردوانی خواسته می‌شود تا بدترین خاطراتش را از کویر بگوید، با خنده پاسخ می‌دهد که هرگز از کویر خاطره تلخ ندارد و ادامه می‌دهد:

تلخ‌ترین اتفاقاتی که در کویر برایم افتاده، حالا دیگر جزو شیرین‌ترین خاطراتم هستند. با این همه اگر قرار باشد تأثیرگذارترین آنها را بگویم مربوط می‌شود به کویر گردی من در کویری در روسیه. من به اتفاق شاگردانم برای تحقیق از کویر روسیه به وسط کویر رفتم و در حالی که سوار اتوبوس بودیم به سرم زد که بدون طی کردن راه اصلی، از وسط بیابان خودمان را به شمال دریای خزر برسانیم. همین‌طور که با اتوبوس می‌رفتم رفته‌رفته متوجه شدم که راه را گم کرده‌ام. دانشجویان با دیدن سکوت من ترسیدند. ما بی هدف و سرگردان در بیابان می‌رفتم. آن ساعات جزو ترسناک‌ترین ساعات عمر من بود اما خوشبختانه در میانه راه به یک مرد چچنی برخورد کردم که گله‌اش را گم کرده بود. وقتی از او پرسیدم: تو اینجا چه می‌کنی؟ گفت: گله‌ام را گم کردم! خلاصه با هزار بدبختی خودمان را به ده آنها رساندیم و نجات پیدا کردیم.

یکبار هم وقتی درباره بیابان‌های مرکزی ایران کار می‌کردم، در کویر لوت به اتفاق گروه تحقیقاتی مان گم شدیم. خیلی ترسیده بودیم. تا چند شبانه روز نمی‌دانستیم کجاییم و چه می‌کنیم؛ اما بالاخره کویری بودن من به دادم رسید و من که در تمام طول آن چند روز همراهانم را دلداری می‌دادم که نگران نباشید می‌رسیم، بالاخره خیلی شانس توانستم راه اصلی را پیدا کنم.

باری، دکتر کردوانی علاوه بر حوزه علم و تحقیق، به لحاظ خانوادگی و اجتماعی هم مردی موفق و قابل تحسین است. او بعد از مرگ پدرش، مسئولیت سنگین خانواده‌ای پرجمعیت را عهده دار شد و توانست در چند سال، امور مربوط به املاک پدری را رتق و فتق کند و خواهر و برادرانش را به سامان برساند. در دهه چهارم عمرش با خانم فریده گلبو - روزنامه نگار آن دوره و داستان‌نویس معاصر - پیمان زناشویی بست و ازدواج کرد که حاصل این ازدواج دو فرزند یک پسر و یک دختر است که هر دو مدارج علمی را طی کرده‌اند و از تعالیم و شیوه‌های علمی پدر بیشترین بهره را برده‌اند. به طور خاص می‌توان از همسر استاد یاد کرد که در عرصه خلق داستان و نگارش رمانهای مختلف علمی، از بانوان موفق روزگار ماست و جالب اینکه که در رمانی به نام جادو، زندگی خانوادگی دکتر کردوانی و به طور خاص پدر او را با قلمی بسیار زیبا تحریر کرده است که از چندین حیث کتابی ممتاز و قابل اعتناست و به لحاظ نثر، یکی از ارزشمندترین کتابهای داستانی دهه‌های اخیر ایران به شمار می‌رود.

از دغدغه‌های استاد دکتر پرویز کردوانی یکی هم مسئله آب تهران و کرج است. او می‌گوید: «طی سال‌های ۴۲-۴۱ در کرج آب در ۴ متری زمین بود ولی الان در بعضی نقاط تا ۱۰۰ متر پایین رفته است. الان بیشتر باغات کرج و شهریار از آب چاه تغذیه می‌شود نه آب‌های سطحی در نتیجه نیمی از باغات هم که این امکان برایشان وجود نداشته، خشک شده‌اند». از جمله دیدگاه‌های همیشگی دکتر پرویز کردوانی می‌توان از «ضرورت احیای فناوری‌های سنتی کشاورزی و مدیریت منابع آب در ایران» نام برد. او حفظ، احیا و گسترش فناوری «قنات» - به عنوان شیوه آبداری کهن و تاریخی ایران - را ضروری می‌داند. به طوری که این نظریه او به عنوان راهی برای توسعه مناطق خشک جهان و کاهش اثرات خشکسالی در مناطقی همچون صحرا و شرق آفریقا در سال‌های اخیر به شدت مورد توجه سازمان ملل قرار گرفته است.

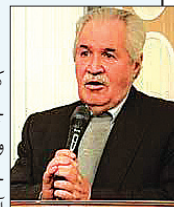
باری، به پاس بیش از ۵۰ سال خدمت علمی و آموزشی و ملی، بارها از دکتر پرویز کردوانی در ایران تجلیل شده است و بی‌جهت نیست که مجسمه یاد بودش در گرمسار، در مرکز میدان انقلاب قرار گرفته تا به امروزیان و آیندگان پیغام دهد که باید کار کرد و کوشید.

کریم فیضی



## کتاب

دکتر برادران شکوهی



داستان زندگی کتابفروشان و بستگان و نیز چگونگی کارکنان چاپخانه‌ها و گراورسازان و صحافان و خطاطان و نقاشان و مجلدان آن‌ها خود مطلبی است که علیرغم بعضی نوشته‌های مختصر و نادر، قابل تحقیق و پژوهش جامع است که بایستی به آن دست یازید و پژوهش‌ها کرد و مقاله‌ها و حتی کتاب‌ها تهیه و تألیف نمود.

در این مقاله، سعی شده تا جایی که ممکن بوده با یکی از قدمای این کتاب‌فروشان که متأسفانه نسل‌شان رو به انقراض است دیدار و گفتگو شود و شرح حال و خاطراتشان را از وراء دهها سال شغل شریف و نجیب، از زبان و قلم خود که گفته و نوشته‌اند باز شنید و خواند. اینک پای صحبت و خاطرات شیرین حاج احمد آقا خادم حسینی کتابفروش دیروز سعدی معرفت و مدیریت امروز لوازم‌التحریری معرفت هستیم با خاطراتی از آن سال‌ها و نیز از یار و مراد دیرینه‌اش زنده یاد سید محمد حسین شهریار با عکس‌ها و نوشته‌ها و سروده‌هایش.

## زندگینامه و خاطرات کتابفروش

در خور یادآوری ————— را بر ملال دوره پیش از لولو بود کانهم یاد نیست اینجانب حاج احمد آقا خادم حسینی در دوران پهلوی اول در ششم مهر ماه ۱۳۰۹ در شهر تبریز، در محله نویر مقصودیه، دربند چاوشان پا به عرصه وجود نهاده‌ام، در حالیکه پدرم سسی و پنج ساله و مادرم بیست و هفت ساله بودند چهار فرزند پسر و دختری در خانه ناظر به دنیا آمدن برادر خودشان بودند. برادری که اکنون بعد از ۸۴ سال عمر، آرزو می‌کند ای کاش نمی‌آوردند:

وقت آنکس خوش که چون برق از گریبان وجود

سر برون آورد بر وضع جهان خندید و رفت پدرم کاسب بود و با وضع مادی متوسط و شاید پایین‌تر ولی بسیار غنی طبع، یک لحظه در سراسر عمر پر برکتش عزت و آزادی و توکل خود را از دست نداد، وسعت قلب عجیبی داشت، عشق به تک‌تک افراد و خانواده‌اش در لحظه‌های زندگی موج می‌زد بهترین دبیرستان تبریز در آن سالها، دبیرستان پرورش به مدیریت آقای حاج محمود پرورش در خیابان تربیت، دربند پناهی، بود که به محل کسب پدرم در بازار شیشه‌گرخانه نزدیک بود. دبیرستانی که شامل چندین حیاط بزرگ تو در تو، همه دارای آب نماهای بزرگ سنگی چند طبقه ساختمان منظم با گچ‌پریهای استادانه، آئینه‌کاریهای ظریف و هنرمندانه سرستونهای تماشایی با پنجره‌های بزرگ مشبک شیشه رنگی، کلاسهای بزرگ که ابهت خاصی به مدرسه می‌داد. از کلاس تهیه که همان پیش دبستانی است شروع و تا کلاس دوازدهم ادامه داشت گرچه با اتمام کلاس دوازده دیپلمه می‌شدند ولی تصدیق کلاس ششم ابتدایی نیز ارج و منزلت خاصی داشت با جشن پرشوری در مدرسه، بیشتر دانش‌آموزان این مدرسه از خانواده‌های مرفه شهر بودند که پدرم با علو طبع خود، من و برادر یک سال بزرگ‌ترم را برای تحصیل به این دبیرستان گذاشته بود. معلمان این مدرسه از شاخص‌ترین چهره‌های فرهنگی بودند همه با سابقه، فهیم و دلسوز با مدیری متدین منضبط و فداکار.

سال ۱۳۱۶ شمسی شروع تحصیل من بود، مدرسه‌مان از ساعت ۸ صبح تا ساعت ۱۲ ظهر و از ساعت ۲ تا ساعت ۴ بعد از ظهر ادامه داشت. سال ۱۳۱۶ در کلاس تهیه، مقدمات کار را در همه

سطوح آموزش میدادند. تمیزی خودمان، چیدن ناخن‌ها، تمیزی دفاتر، طرز راه رفتن، ایستادن، صحبت کردن با بزرگان، سلام و خداحافظی کردن، طرز مداد بدست گرفتن، اجازه خواستن، همه را سر خط یاد می‌دادند تا برای ورود به کلاس اول آماده شویم. سال ۱۳۱۷ سال ورودم به کلاس اول دبستان بود. در کلاس اول، معلم ما آقای احمد الوانسان بود. مرد ۴۰ ساله‌ای که بسیار خوش‌شرو، خوش اخلاق، با حوصله و صبور بود. من همیشه دلم به حال معلمین کلاس اول می‌سسوزد همیشه یک عده بچه نذر ناز پرورده و سر بهوا تحویلش میدهند، یکسال تمام آنها را آموزش می‌دهد، آموزش تمیزی لباس، کفش، حتی دماغ خودشان، چون بچه کلاس اول هنوز

گرمایش موثر نبود در مقابل سرمای استخوانسوز ۲۰ و ۳۰ درجه زیر صفر، زندگی بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود مخصوصاً برای کودکان، گرمایش مدرسه با هیزم بود (بخاری هیزم سوز) تنها گرمایش خانه، کرسی بود با آتش زیر پا و با لحاف بزرگ روی کرسی، محیط اتاق کاملاً سرد و گزنده بود نه لوله کشی آب بود و نه گاز، آب گرمی هم وجود نداشت آب برای طهارت و برای وضو با شکستن یخ حوض امکان‌پذیر بود چون زمستانها حتی توی اتاق، آب یخ می‌بست تا چه رسد به حوض حیاط. حوض حیاط را به‌طور کامل بسته‌بندی می‌نمودند که از شدت سرما تکه پاره نشود فقط در چاهی ۵۰×۵۰ سانتیمتر باز می‌گذاشتند برای استفاده توال

## پروسه در کتابفروشی‌های قدیم

## کتابفروشی معرفت



از شیر خوردن فاصله نگرفته، هنوز از ناز مادرش بی‌نیاز نشده به محیط جدید آمده، با کوچکترین بی‌اعتنایی گریه می‌دهد رام کردن او، عادت دادن او به محیط جدید واقعاً مشکل و طاقت‌فرساست آنهم نه یک‌نفر و نه یک‌دفعه، آموزش تمام نشده همین که به کلاس دوم می‌روند، سری جدید نصیب معلم کلاس اول می‌شود و این دور تسلسل ادامه دارد و مضاعف بر اینکه هیچ‌گونه رسانه آموزشی قبل از مدرسه وجود نداشت، نه رادیویی، نه تلویزیونی نه اینترنتی نه حتی معلم آموزش دیده‌ای واقعاً در این مورد بچه‌های امروزی شانس بزرگی دارند. بهر حال ساعت ۱۲ ظهر برای صرف ناهار به مغازه می‌آمدم و ساعت دو بعد از ظهر دوباره به مدرسه برمی‌گشتم تنها با پای پیاده می‌رفتم و تنها بر میگشتم نه اتومبیلی در کار بود نه سرویسی و نه همراهی، احتیاج هم نبود خیابانها خلوت خلوت هر از چندی درشکه‌ای در خیابان یا کوچه تردد داشت. ترس دزدیدن بچه هم نبود نه تروریستی نه گروگانگیری و نه باج‌خواهی که همه اینها تحفه سالهای حاضر است و امنیت کامل در ۲۴ ساعت نه تنها در شهر در تمام جاده‌های اصلی و فرعی حتی در کوره دهها حکمفرما بود. کسی جرئت تخطی داشت؟ در حالیکه یکه‌زارم این اعدام‌ها و مجازات‌ها نبود خنده آور است بعد از ۷۰ سال با اینهمه پیشرفت علم و تکنیک، با اینهمه دوربینهای مخفی، مجازات‌ها و با اینهمه تبلیغات و ادعا، هنوز هم آن امنیت و آسایش و آرامش خاطر، برایمان آرزویی بیش نیست: چون نه اعتقادی مانده و نه اجرای قانون، فقط و فقط، تظاهرات و خود بزرگ بینی، کینه ورزی است و زران‌دوی هر کسی در کار خودش برای پیشبرد و رسیدن به اهداف خود، مدیر و مدبر و دلسوخته نباشد نتیجه اش فلاکت است و نابودی که هر روز و هر لحظه لمس می‌کنیم.

به هر صورت در خانه‌ها، کوچکترین وسیله

در حیاط با آفتابه مسی که برای شکستن یخ آلت موثری بود زندگی در زمستان واقعاً مشکل بود ولی چاره‌ای هم نداشتیم جز سوختن و ساختن و عادت کردن با همان سرما و یخبندان در زیر برف و بوران با پای پیاده بموقع در مدرسه بودیم و بموقع در خانه، بازیگوشی و غیبت و غفلت لحظه‌ای، مواخذه‌ای در طرفه داشت مواخذه‌ای از مدیر سرسخت و مواخذه‌ای از بزرگان خانه، یعنی هماهنگی و همفکری و همراهی در مراقبت از بچه‌ها با انسجام کامل بود. با کاغذ کاهی بعدها با کاغذ کله خط خودمان با نخ و سوزن برایمان دفتر درست می‌کردیم داشتن دفترچه زیادی و مداد تمام قد برایمان آرزوی دست‌نیافتنی بود تراش نبود با کارد آشین خانه مداد را می‌تراشیدیم خوشبختانه مدادها آلمانی بودند اگر مثل امروز مداد چینی بود با یک تراش کار نکرده مداد تمام می‌شد. با این وضع درس می‌خواندیم سالیانه ۱۰ ریال پول هیزم من بود و ماهیانه ۱۰ ریال شهریه مدرسه، تمام کارها در تمام شئونات زندگی، مخصوصاً در مدرسه، روی حساب و کتاب بود. تشویق و تنبیه امری لازم‌الاجرا بود. یادم هست در سال ۱۳۱۹ با برادرم از مدرسه برای صرف ناهار بمغازه میرفتیم در دالان مدرسه یک اسکناس یک تومانی روی زمین بود برداشتیم در مراجعت به مدرسه بردیم به مرحوم آقای پرورش مدیر مدرسه دادیم دستی به سر و گوشمان کشیده و با لیخند تشکر نمود ولی بعد از دو روز، همه دانش‌آموزان را در حیاط بزرگ مدرسه جمع کردند حتی دبیران را، در وسط حیاط، میز بزرگ و بلندی گذاشته بودند و حدود ۱۰ جلد کتاب روی میز بود، هیچکس نمیدانست چه مراسمی بر پاست، در محوطه حیاط، هم کف کلاس به کلاس، با نظم خاصی صف کشیده و نظاره گر صحنه بودند مرحوم آقای پرورش، نطق رسا و گیرایی راجع به امانت و درستکاری صحبت

نمودند و نیم ساعت در تعریف و تمجید در اینمورد، داد سخن دادند و بعد من و برادرم را بنام، دعوت بسوی میز نمودند و ما را بالای میز بردند و جریان پیدا کردن پول را با شرح و بسط توضیح دادند و گویا این پول، شهریه یکی از دانش‌آموزان بود که گم کرده بود و یکی دو روز ناراحت، سخت مورد تشویق قرار گرفتیم که همه حتی خود مدیر، با کف زدن ممتد، ما را بیشتر به امانت‌داری و درستکاری وا می‌داشتند و کتابها را که همه پشت نویسی شده بود بما جایزه دادند آری همین تشویق‌ها، اثرات بسیاری زیادی در تحکیم اخلاق و رفتار بچه‌ها داشت کلاس به کلاس درس می‌خواندم ولی ناگفته نگذارم که به ورزش بیشتر از درس علاقه داشتم علت هنوز هم برای خودم معماست همیشه نمره‌های خوب را در قرآن و ورزش می‌گرفتم یاد همه معلمان زحمتکش ما به خیر آقایان دانش، الوان ساز، پاکدل، امیرخیزی، نیکرام، بحرالعلومی، لطفی، رسام و... ناظم دبیرستان آقای هجیری

## خاطراتی از فرقه دموکرات

تا کلاس ششم خوب خواندم و بدون تجدید یا مردودی به کلاس هفتم رسیدم بی‌علاقه بودم نتوانستم ادامه بدهم در خرداد ماه سال ۱۳۲۵ ترک تحصیل نمودم، در حالیکه ۱۶ ساله بودم و فاقد عشق به درس! از مدرسه دست کشیدم، در حالیکه علاقه‌ام به ورزش بیشتر فزونی یافته بود.

در سال ۱۳۲۴ فرقه دموکرات آذربایجان تحت نظر و قیمومیت شورویها، آذربایجان را اشغال نمودند و ما هم در تبریز زیر سلطه آنها قرار گرفتیم یک حکومت اجبر شده پوشالی که تمام دم و دستگاهش پوشالی بود و امانده‌های بوقلمون صفت بی‌کاره برای اخذ چندرغازی در حکومت لایق بخودشان، صاحب پست و مقام شدند شورویها با کمال بیشرمی تصاحب گوشه‌ای از یک مملکت بی طرف و مظلوم را برای خود افتخار می‌دانستند در مدرسه هر ۱۵ روز یکبار، شاگردان کلاسها را به نوبت به باغ گلستان می‌بردند و در سالتی که دیوارها مملو از نقشه‌های بزرگ آویزان شده در دیوار بودند یک افسر شوروی که کاملاً به زبان ترکی آشنا بود مسیر حرکت خائنانه ارتش خودشان را با نام (قیزیل ارود) به ما کودکان با تبختر شرح می‌داد و قدرت پوشالی خودشان را با تبلیغ به رخ دانش‌آموزان می‌کشید و از رشادات کذایی سربازان خودشان داد سخن می‌داد در حالیکه ما بچه‌ها به اجبار به حرفهای مزخرف او گوش می‌دادیم ولی با نفرت تام و تمام کودکان می‌دیدیم که یک مشت سالدات نفهم بیشعور جیره خوار بودند که برای دستمالی، قیصریه را آتش می‌زدند و با این چاخان گوئی‌ها میخواستند برغم خودشان با تحمق ما به عمل زشت و تجاوز کارانه خود سروپوش بگذارند و بیشتر بی‌علاقگی من از این صحنه سازیهای دروغین و نفرت بار بود که به روس‌ها داشتیم و دارم، هنوز روزهای شهریور و از آن بعد یادم نرفته که وجود نحس آنها در آذربایجان چه فجایعی ببار آورد، هفتاد سال خیانت، دو روئی، مکاری و جنایات، دزدی و دغلبازی و استثمار اینها را در تاریخ ایران، خوانده و دیده و لمس کرده‌ام همیشه مایه بدبختی و عقب ماندگی و فلاکت ملل ضعیف بوده‌اند علل عقب ماندگی آذربایجان چه در دوران پهلوی و چه بعد از آن وجود شوروی همسایه بی سایه و طمعکار بی شرم ما یعنی روسها بوده است. هدفش با قلدری و زورگویی تاراج هست و نیست ملل ضعیف و مغلوب کردن هر چه بیشتر مردم و یخاک نشاندن آنها بوده است با دیدن خیلی از صحنه‌های بشمارانه حتی ژرنالهای روسی انزجارم بیشتر شده حتی عروسکهای دست نشاند خود فروش آنها بنام حزب توده، خود فروختگانی که همیشه با فرصت طلبی در مواقع حساس کشورمان، پشت به ملت کرده‌اند هر لحظه به رنگی بت عیار درمی‌آید.



چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۲۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۴ (برابر با اول جمادی الاول ۱۳۹۵، ۱۳ مه ۱۹۷۵) نقل شده است.

## مذاکرات برای حل اختلاف ایران و بازار مشترک

مذاکرات ایران با بازار مشترک اروپا با ورود کریستوفر سومز کمیسر روابط خارجی بازار مشترک تهران از بعداز ظهر امروز آغاز میشود.

کریستوفر سوزن که با توافق دو تن از شخصیت‌های برجسته بازار مشترک اروپا نیمه شب دیشب وارد تهران شدند، بعد از ظهر امروز مذاکرات خود را در کاخ دارائی با هوشنگ نصاری وزیر امور اقتصادی و دارائی آغاز کرد. موافقتنامه بازرگانی ایران و بازار مشترک چند سالی است که از جانب ایران باطل شد و در همانموقع گفته شد چون روابط تجاری ایران و بازار مشترک کاملاً یکطرفه و بسود بازرگانی است، به همین جهت ایران تمایل برای تمدید آن ندارد.

یک بررسی از آمار روابط تجاری ایران با بازار مشترک نشان میدهد که بازار مشترک چهل درصد واردات ایران را تأمین میکند، در حالیکه ایران در واردات بازار مشترک یک رقم و سهم بسیار ناچیزی دارد.

**یرونده‌های اصلاحات ارضی مختومه میشود**

بموجب لایحه‌ای که از طرف وزارت تعاون و امور روستاها تقدیم مجلس شد، کلیه پرونده‌هایی که تا تاریخ تصویب این قانون در اجرای مراحل مختلف اصلاحات ارضی منجر به تنظیم سند و آگذاری شده باشند و یا صورتجلسه‌های تنظیم ملک و فرمهای مربوط به دفاتر اسناد رسمی ارسال شده ولی نسبت به آنها تا تاریخ تقدیم این لایحه شکایت و اعتراضی نرسیده باشند مخومه تلقی میشود. در لایحه مذکور اضافه شده است که اعتراضها و شکایتهایی که نسبت به پرونده‌های مزبور تا تاریخ تقدیم این لایحه بوزارت تعاون و امور روستاها رسیده و منجر بصدور رای قطعی نشده باشد، در سازمان اصلاحات ارضی طبق مقررات مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و در صورتی که بنظر سازمان اصلاحات ارضی در عملیات انجام شده اشتباه موثری رخ داده باشد، موضوع بشورای اصلاحات ارضی ارجاع خواهد شد تا مورد رسیدگی قرار گیرد.

## کار خرید و فروش املاک آسان تر میشود

با پیاده شدن طرح منطقه بندی، با کسر سیوم دفاتر اسناد رسمی، مراجعات خریداران و فروشندگان املاک به دفاتر و ادارات دولتی به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش مییابد. طبق طرح مزبور که فاصله بین دفتر املاک و دفتر اسناد رسمی را از بین میبرد، املاک هر حوزه ثبتی در صلاحیت یک واحد دفاتر اسناد رسمی که شامل چند سردفتر است، قرار میگیرد و دفتر ثبت املاک مربوط به املاکی که در صلاحیت آن واحد قرار گرفته، در همان واحد مستقر خواهد شد.

### حق تمير معاملات اراضی خارج از محدوده

حق تمير معاملات اراضی خارج از محدوده شهرها افزایش می‌یابد و از تاریخ تصویب لایحه معاملات زمین این نوع اراضی از دو درصد تا بیش از صد درصد ارزش مورد معامله حق تمير خواهد داشت. تعرفه حق تمير معاملات اراضی خارج از محدوده تهران و شهرهای دیگر از خرداد ماه آینده تغییر میکند و وزارت امور اقتصادی و دارائی دفاتر اسناد رسمی و مکلف خواهد کرد که کلیه معاملات را که پس از تصویب لایحه معاملات تمير می‌گرد در اراضی خارج از محدوده شهرها صورت می‌گیرد در نوبت اول دو درصد ارزش زمین حق تمير وصول کنند.

بعلاوه دفاتر اسناد رسمی باید برای دفعات بعدی نیز ۴ درصد و چنانچه معاملات روی این اراضی ادامه یابد، حق تبر آن بصورت تصاعدی تا بیش از ارزش آن افزایش خواهد یافت.

## در گره جنوبی حالت فوق العاده اعلام شد

سنول - آسوشیټيډ پریس - در پی تحولات اخیر لائوس پریزیدنت «پارک چو نگی» رئیس جمهوری کره جنوبی امروز در این کشور حالت فوق العاده اعلام کرد. رئیس جمهوری کره جنوبی ضمن صدور فرمان زمان اضطراری هر نوع مخالفت با حکومت فردی خود را غیرقانونی اعلام کرد. بموجب فرمان رئیس جمهوری کره جنوبی ازین پس هر کس کوچکترین مخالفتی با قانون اساسی و اقدامات دولت بعمل آورد به دست کم پانزده سال زندان محکوم خواهد شد. رئیس جمهوری کره جنوبی در عین حال به کره شمالی اخطار کرد که از هر گونه تلاش جهت الحاق دو کره خودداری ورزد.

## قاب امروز



نجات پیش از سقوط - آمریکا / منبع: تلگراف

## حکایت

## در تن افزودی و از جان کاستی

جوانمردی را در جنگ تاتار جراحی‌اتول رسید. کسی گفت: «فلان بازرگان تو شدارو دارد؛ اگر بخوای، باشد که قدری ببخشد.» و گویند آن بازرگان به پُخل معروف بود.»

گر به جای ناشن اندر سفره بودی آفتاب  
تاقیامت روز و روشن کس ندیدی در جهان

جوانمرد گفت: «اگر تو شدارو خواهی، دهم یا ندهم؛ و اگر دهم، منفعت کنی یا نکنم.»

باری، خواستن از وی زهرِ کُشنده است».

هرچه از دنوان به منت خواستی  
در تن افزودی و از جان کاستی  
و حکما گفته اند: «اگر آب حیات فروشد  
فی المثل به آب روی، دانا نخرَد که مردن به علت  
به از زندگانی، به مذلت.»

اگر حنظل خوری از دست خوشخوی  
به از شیرینی از دست تُرش روی

## جدول شرح در متن

## غلامحسین باغبان

کتابی از دکتر شرعی	ف	نهیب	عصاره کتجد		حرف عصابی	پایتخت فلاند
مطبخ		نگهبانی	طلایی		سرکش	
جیب بر				ثروت		
نیز				سوره ستاره		
		حرف نوروزی		صدای پنچری		
		دیوار گلی		گوشتواره		
ضربه سر فوتبالیست پاکدامنی		درودگری شکاف سر قلم				
			با ایمان			
			سبزی پیچیده			
				گلویش تبتی		
قایق مسابقه ای ژرفا		از هنرهای سستی		م		
		عید حاجیان				
		ظرف				
بانگ درندگان در حمام بجوید		خانه پشت به آفتاب				
جوهر گل رعد						

**سودو کو**

۱۳۴۱

		5		8				
	9		6			4	8	7
		7				6		
			7	1				9
8								2
7				3	8			
		6				1		
2	3	4			6		7	
				4		2		

۴	۸	۶	۱	۵	۹	۷	۳	۲
۷	۳	۲	۴	۸	۶	۱	۵	۹
۱	۵	۹	۷	۳	۲	۴	۸	۶
۶	۴	۸	۹	۲	۱	۵	۷	۳
۵	۱	۷	۶	۴	۳	۹	۲	۸
۹	۲	۳	۸	۷	۵	۶	۴	۱
۳	۶	۴	۵	۹	۸	۲	۱	۷
۸	۷	۱	۲	۶	۴	۳	۹	۵
۲	۹	۵	۳	۱	۷	۸	۶	۴

حل ۱۳۴۰